

مستعفیانی و متوفیانش مجلس را اداره کند اگر يك ماه چهار روز با آخر دوره مانده مجلس از اکثریت بیفتد آنها هم ممکن است که انتخاب شود چون انتخاب دست ملت است و ملت میتواند يك ماه با آخر دوره مانده شروع کند با انتخابات چیزی که هست بنده میبینم اهمیت نمیدهیم به تسهیل انتخابات و منظم کردن حوزه های انتخابیه است زیرا برای انتخابات هیچ اساس علمی در دست نداریم و هیچ نظر علمی مادر کار انتخابات نمیکنیم اگر ما عوض این بی قانونیها بیاییم يك ترتیب صحیحی برای انتخابات که اسباب تسهیل انعام مجلس را فراهم میکند برای انتخاباتمان بدهیم و يك ترتیب داوطلبی قرار بدهیم آمده اشخاصی که بدانتخاب شود شاید قبل از وقت حاضر باشند میایم دست مریزیم بچیزهایی که مخالف قانون است اگر بآنها نظر بکنیم و آنها را صحیح بکنیم آنوقت کبر اینگونه اشکالات نیافتیم که مجبور باین بی قانونیها بشویم .

**ذکاء الملک** - بند باز تجدید میکنم عریض خود را کاینقدر در عقاید نباید افراط کرد و اینکه آقای وحید الملک فرمودند کجا این ترتیب معمول بوده شاید در فرانسه بکوفتی بر حسب فوق العاده این کار را کرده اند تعجب میکنم و حاضریم که از برای آقای وحید الملک قانون انتخابات فرانسه را بیاریم نشان بدهم که الان هم ابتکار را میکنند و حالا هم این مسئله دایر است و در فرانسه هست که شش ماه با آخر دوره مانده اگر کسی از نمایندگان فوت کرد یا استعفاء داد مجلس بجای او انتخاب میکند چون ما بکوفتی يك کار غلطی کردیم و يك سوء استعمالی نمودیم که يك نتیجه بدی داده است از این جهت در ما يك تشویش هست از او که آنوقت بواسطه آن تشویش هی مبالغه میکنیم که این غلط است که مجلس از خودش نماینده انتخاب کند و شاید از این يك بدی دیدیم و حال آنکه گمان میکنم نتیجه بدی نداده است حالا هم اینقدر افراط میکنیم که در اواخر دوره تقنینیه هم حاضر نمیشویم برای پاره ملاحظاتی این حق را بمجلس بدهیم به اگر ما فقط اینحق را منحصر میکردیم به مجلس ابتکار را چنانچه کرده بودیم معمول میداشتیم و هیچ ضرری هم بنظرمان نمیرسید حق با شما بود ولی باینقدر که یابین آورده ایم گمان میکنم ضرری نداشته باشد حالا شما میفرمائید سکه بمجلس وارد نیاید شما چه میدانید که چه پیش میآید و چه اتفاقاتی واقع میشود ترتیبی را که بعداً یا سهواً میتواند واقع شود هر گاه يك اسبابی فراهم آمد یا آوردند از برای اینکه مجلس شورای تان از اکثریت نیفتد چه خواهید کرد بخصوص در این مملکت که مردم با انتخابات عادت نکرده اند و انسی ندارند میفرمایند يك ترتیب برای تسهیل انتخابات و ترتیب داوطلبی فراهم بیاریم کدام ترتیب داوطلبی را میفرمائید این مثل این است که شما از ترتیب مملکت خبر ندارید البته باید به ترتیب داوطلبی باشد ولی این باید در جزو عادت مملکت باید بشود در جزو عادت اهالی اخلاق آنها اما امروز ما می بینیم که مردم میروند میگویند ما می میگوئیم که نمیخواهیم وکیل شویم بعد که انتخاب میکنند میگویند خوب حالا شده

است مثلا در يك شهری پنج نفر منتف هستند آن اشخاصی که بعد از آن پنج نفر هستند معلوم است که منتخب ملت هستند این شبهه ندارد بعد از آنکه منتخب اکثریت قوت یا مستعفی شد ما میگوئیم همانها که بعد از او دارای اکثریت نسبی هستند در حقیقت تصدیق کرده ایم که منتخبینی که دارای اکثریت نسبی هستند بیایند بمجلس معلوم است که او نماینده اقلیت است والا اگر حق بدهیم که یکی دو مرتبه رای بدهند باز دو مرتبه منتخبین و کاندید های اکثریت بمجلس خواهند آمد بقیه بنده آن چیزیکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند صحتی نخواهد داشت بجهت اینکه آن کسیکه میدانند که اگر وکیل سابق نباشد او خواهد بود خود او بعضی اسبابها فراهم خواهد آورد که او بیاید و بجای او در مجلس بنشیند و این رای برای احزاب سیاسی مخصوصاً صحیح نخواهد بود پس بقیه بنده خوب است که همان حق را به خود مردم بدهیم و این فرض که به عقیده بنده فرض محال است و مجلس از اکثریت بیفتد در این دوسه ماه بهتر است از اینکه اشخاصی باشند که وکیل ملت نباشند .

**افق خارا الواعظین** - اولاً متوجه میکنم خاطر آقایان را باینکه دوره تقنینیه قریب با ختام است و هنوز از صدویست نفر نمایندگان ملت یکمده معتدلی انتخاب شده و تشریف نیاوردند و دیگر متوجه میکنم خاطر مبارکشان را که از ابدای انمقاد تا اکنون نوزده نفر وکیل رامجلس شورای ملی انتخاب کرده است و از آنده حاضره اگر ۱۹ نفر کم باشد و مثل اینکه هنوز باقی مانده از ولایات انتخاب نشده اند و نیامده اند و فرض میکردیم آنها انتخاب نمیشدند نیامدن آن وقت نمایندگان شکل مجلس چه قسم میشد و گمان میکنم در مملکت از برای مصالح هم تادوسه دوره لازم است که يك حقی بمجلس بدهیم منتهی شش ماه را اگر آقایان زیاد میدانند چهار ماه قرار بدهیم در صورتیکه شش ماه هم زیاد نیست بجهت اینکه در بعضی از ایالات تا اطلاع داده شود و وکیلشان انتخاب شود و بر مرکز بیایند یکمدتی طول میکشد و همان شکلی که فرمودند سه ماه با آخر دوره تقنینیه باقی مانده اگر اینحق را بمجلس ندهند و بمجلس اطلاع بدهند و انتخاب هم بکنند گمان میکنم آن کسیکه انتخاب شده است برای سه ماه از ممالک بعیده حرکت نمیکند از محل خودش و بیاید بیایند برای نماینده کی سه ماه پس برای اینکه جلو گیری بشود باید اینحق را داد حالا اگر بطریق کلی که دوماه از افتتاح مجلس شورا گذشته و یکماه گذشته اگر يك وکیل مستعفی یا متوفی شدمجلس حق داشته باشد که تا آخر دوره مستقلاً خودش انتخاب کند بندهم این را غلط میدانم انتخابات وظیفه ملت است باید بخود ملت اعلان شود خودش انتخاب کند ولی در آخر دوره دردمتی که از شش ماه کمتر مانده باشد برای اینکه جلو گیری شود از بعضی اتفاقات سوء بنده ضرری نمی بینم که این حق بمجلس داده شود و در باب اینکه میفرمایند که اگر چنانچه دوباره بمجلس اعلان کردند و وکیلش را انتخاب نکرد مجلس حق داشته باشد یعنی اگر از شش ماه کمتر یا شش ماه مانده باشد و انتخاب نکند که برای انتخاب حاضر نیستند والا در دوماه کافی است که عامه مردم حاضر شوند و وکیلشان

را انتخاب و حاضر بکنند و بفرستند ولی آن پنج نفری را که باید پنج نفری باشند که دارای اکثریت بوده اند مجلس از بین آنها انتخاب کند بنده منی اینرا نمیدانم و مخالف هم هستم .

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد ( اظهار شد کفاتی است ) ده فقره اصلاح رسیده است فرات می شود ( پیشنهاد های مزبور به ترتیب ذیل خوانده شد )

(۱) از طرف آقای کاشف .  
اصلاح - بنده پیشنهاد میکنم که در ماده پنجاهم بجای ششماه بانقضای دوره تقنینیه که نوشته شده مجلس انتخاب خواهد نمود سه ماه نوشته شود

(۲) از طرف آقای لواهل الدوله .  
بنده پیشنهاد میکنم که تا سه ماه با آخر دوره تقنینیه مانده بعرض مستعفی یا متوفی از محل انتخاب شود .

(۳) از طرف آقای وحید الملک - این بنده پیشنهاد میکنم که ماده پنجاهم بطریق ذیل نوشته شود هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود اهل محل بجای نماینده مستعفی یا متوفی انتخاب خوانند کرد .

(۴) از طرف آقای حاج عز الملک - بنده پیشنهاد میکنم ماده پنجاهم اینطور نوشته شود .  
ماده ۵۰ - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شد اهل همان محل يك نفر بجای او انتخاب خواهند کرد .

(۵) از طرف آقای میرزا مرتضی قلیخان بنده پیشنهاد مینمایم که جزو اول ماده ۵۰ این قسم نوشته شود اگر بیش از شش ماه بانقضای دوره تقنینیه نمانده باشد مجلس شورای ملی از اشخاصی که در انتخاب محل عضو مستعفی یا متوفی نسبتاً دارای اکثریت بوده اند برای بدل عضو مزبور معین خواهند کرد لیکن اگر االی آخرا ماده .

(۶) از طرف آقای معز الملک - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود اگر بیش از شش ماه با آخر دوره تقنینیه باقی باشد حوزه انتخابیه که آن نماینده مستعفی یا متوفی را انتخاب کرده بودند بکفر دیگری بجای او انتخاب خواهد کرد ولی هر گاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان اختلال در محل انتخاب نکرده مجلس شورای ملی حق خواهد داشت بکفر را بجای عضو مستعفی یا متوفی انتخاب نماید .

(۷) از طرف آقای میرزا ابراهیم خان - هر گاه یکی از اعضاء مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود اگر بیش از ۶ ماه بانقضای دوره تقنینیه باقی نمانده باشد اول شخصی که در محل انتخاب به از نماینده مستعفی یا متوفی اکثریت نسبی داشته باشد بجای او تعیین خواهد شد و چنانچه بیش از ۶ ماه باقی باشد انتخاب جدید باید در محل بعمل آید هر گاه اهل محل پس از دو ماه از زمان اختلال انتخاب نمودند در آن صورت نیز هر کس که در انتخابات سابقه اکثریت نسبی داشته تعیین میشود

(۸) از طرف شاهزاده لسان الحکماء - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود اگر بیش از ۶ ماه بانقضای دوره تقنینیه نمانده باشد مجلس شورای ملی بکفر بجای او انتخاب خواهد شد همین ملاحظه که هر ضرر کردم قبل از

خواهد کرد لکن اگر بیش از ۶ ماه بدره تقنینیه باقی مانده باشد باید اهل محل بجای نماینده خود که مستعفی یا متوفی است انتخاب نمایند .

(۹) از طرف آقای بهجت - بنده تقاضا میکنم ذیل ماده ۵۰ اینطور اصلاح شود هر گاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان انتخاب شروع با انتخاب نکرده .

(۱۰) از طرف آقای حاج آقا - بنده پیشنهاد میکنم که در ماده (۵۰) حکم بدون عنبر بعد از جمله - هر گاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان اختلال زیاد شود .

**کاشف** - بنده نمیخواهم مفصلاً عرض کنم همین قدر ان مذاکراتیکه شد که هیچ حق بمجلس داده نشود با این انتخابیکه کرد ایم که انتخابات همیشه بتأخیر افتاده و هیچوقت حاضر نمیشوند برای انتخابات لازم می بینم که لا اقل سه ماه بمجلس اهمیتی داده شود که انتخاب کند و کمتر از سه ماه هم فائده ندارد ملت انتخاب کند بجهت اینکه نماینده که انتخاب کنند برای کمتر از سه ماه بمنزل نمیرسد باین جهت این پیشنهاد را کردم .

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید .

**ذکاء الملک** - آن پیشنهاد هائی که ۶ ماه را بدل سه ماه کرده اند بنده قبول میکنم

**رئیس** - اصلاحات راجع به ماه را آقای معز قبول کردند ( اصلاح آقای وحید الملک مجدداً قرائت شد )

**رئیس** - اصلاح آقای حاج عز الملک هم همین مضمون است .

**وحید الملک** - گویا بعد از توضیحاتی که عرض کردم توضیح جدیدی لازم نباشد این جا دو شرط بود یکی شرط شش ماه بود که در آن ۶ ماه آخر مجلس شورای ملی حق انتخاب داشته باشد و یکی دیگر تجدید کردن حق ملت در انتخابات که فقط دو ماه باشد که مجلس شورای ملی حق داشته باشد بعد از دو ماه از کسانی که باقی مانده اند در انتخابات گذشته از آن پنج نفری که اکثریت دارند آنها انتخاب شوند این دو شرط را بنده چنانچه هر ضرر کردم بر خلاف مشروطیت و حکومت ملی می دانم لهذا پیشنهاد کردم که این ده شرط حذف شود و فقط بجای نماینده مستعفی و متوفی ملت اهل محل حق داشته باشند که انتخاب کنند پیشنهاد هم راجع همین است .

**رئیس** - آقای معز چه میفرمائید

**ذکاء الملک** - بنده نمیتوانم قبول کنم

**رئیس** - اصلاح آقای وحید الملک و آقای حاج عز الملک يك مرتبه دیگر هم قرائت میشود و رای میگیریم ( مجدداً قرائت شد )

**رئیس** - آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام نمایند ( نصف صحیح از آقایان نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - ۳۳ نفر از ۶۶ نفر رای دادند بنده حق تجزیه را ندارم ولی این اصلاحات باید تجزیه شود اگر باین ترتیب رای بگیریم مفشوش خواهد شد همین ملاحظه که هر ضرر کردم قبل از

وقت باید اصلاحات به مغیر داده شود ( اصلاح آقای معز الملک مجدداً قرائت شد )

**معز الملک** - اگر میروی بعیالیات اخیر مجلس بکنیم و همچنین اگر بیروی بعیالیات مجلس فرانسه که ای اوحق انتخاب داده اند بکنیم خواهیم دید که از اینحق هم استفاده نمیشود البته فلسفه هم اینحق يك چیز بدی است که داده میشود و لکن نباید مجلس استفاده کند از آن اینست که بنده مستقدم که تا آنوقت که ضرورت پیدا نکند و یکصورتی پیدا نکند و يك احتیاج فوق العاده نباشد مجلس حق نداشته باشد انتخاب کند باینجهت فقط ملاحظه دو روزه که با آخر دوره تقنینیه میماند باینجهت هم نمیتوانیم اینحق را بدهیم به مجلس و این اوایل انتخاب کردن مجلس باشد دیگر آنقتست این ماده که نوشته است اگر ششماه بوقت انتخاب مانده باشد مجلس حق دارد انتخاب کند بنده بکلی بکرم و میگویم کلیه تاروقتی که سه ماه مانده باشد با آخر دوره تقنینیه حق داشته باشد این سه ماه راهم که عرض کردم چون در ماده (۵۲) ذکر خواهد شد که سه ماه با آخر دوره تقنینیه مانده از طرف دولت اعلان شروع با انتخابات جدید داده خواهد شد باین لحاظ تا مدتی که زیاد از سه ماه نباشد با آخر دوره تقنینیه مانده است انتخاب کند این يك حقی است که هیچکس نمیتواند انکار کند که بیش از سه ماه هر نماینده که مستعفی بشود یا سیرد البته باید بجای او را هم محل خودش انتخاب کند مگر در یکصورت در آن صورت که ما به بنده آن محل نخواست است در مدتیکه کافی است برای استفاده کردن از حق خودش استفاده کند آنوقت برای اینکه مجلس از اکثریت نبهد و يك منفعت عمومی فدای یکمنفعت خصوصی نشود میشود اینحق را بمجلس داد که بجای مستعفی یا متوفی انتخاب کند و آن ایرادیکه آقای وحید الملک در ضمن نطقشان فرمودند آن ایراد نمیتواند باین پیشنهاد وارد شود بجهت اینکه ما اگر بتمام قانون انتخابات مراجعه بکنیم می بینیم در بعضی موارد مجبوریم حق انتخاب بعضی نقاط را ساقط کنیم بجهت اینکه اگر چندین نقطه در يك حوزه انتخابیه باشند و در یکمدتی نیامند رای بدهند حقتشان ساقط میشود بجهت اینکه این پیشنهاد بنده میگوید هر گاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان اختلال بجای مستعفی یا متوفی انتخاب نکرده بشود چیزی خواهد بود در آن مدتی که معین شده است نیامند و انتخاب نکرده حق خودشان را از خودشان سلب کرده اند آنوقت مجلس حق خواهد داشت که بجای آنها انتخاب کند پس هیچ محرومیتی نخواهد داشت این قسمت از محرومیت مثل همان محرومیتی شده که در بعضی موارد این قانون تصویب شده ولی بکفایت از این ماده را بنده هیچ نمیتوانم بپذیرم که بعد از آنکه خواست انتخاب کند حتماً باید از میان آن پنج نفری که اکثریت نسبی دارند اینرا مخالف بجهت اینکه با باید اینحق را داد بمجلس که انتخاب کند با نباید داد اگر بنده میطلبی است و اگر حق انتخاب به کسی میدهد لازمه حق انتخاب آزادی در انتخاب است هیچکس نمیتواند بگوید بکسیکه بیاین شخص را انتخاب بکن من حق دارم که يك کسی را انتخاب بکنم لازمه اینحق این است که هر کسی را که میخواهیم آزاد باشیم انتخاب کنیم بنابراین نمیشود الزام کرد که حتماً



از بین پنج نفری که حائز اکثریت بوده اند انتخاب بشود شاید عقیده کمیسیون این بوده است که آتاهائی که انتخاب میشوند از اشخاصی باشند که آراء در حق آنها داده شده است و زیادتر محل اعتماد و توجه اهل محل باشند و این هیچ دلیل نمیشود بجهت اینکه بسا میشود که يك كسيكه در موقع انتخاب طرف اعتماد شده است یا بواسطه اتفاقات بدی که رخ داده است یا او اقدامی کرده است همان طور که آقای وحیدالملک فرمودند بعد از یکصد و بیست و یک نفر از اعتماد بر طرف میشود و شاید آن کسیکه طرف اعتماد نبوده اند محل توجه طرف اعتماد واقع شده باشند و شاید که آن کسیکه بالنسبه دارای اکثریت بوده اند هیچ خوب نبوده اند این هیچ دلیل نمیشود بنده باین ماده با نظر مخالفم .

**رئیس** - آقای مخبر چه میفرمائید .  
**ذکاءالملک** - قسمت سه ماه را که بنده قبول کردم .

**رئیس** - رای بگیریم با اصلاح آقای معز الملک باستثنای مدت سه ماه .

**ذکاءالملک** - تمام این پیشنهادها را رجوع بکمیسیون .

**وحیدالملک** - پیشنهاد بنده چه شد .  
**رئیس** - بالاتکلیف ماند .

**وحیدالملک** - پس نمیشود برعکس هم رای داد .

**رئیس** - برای این بود که گفتیم باید پیشنهادها را قبلاً بمخبر داد .

**وحیدالملک** - باید بفرستید بکمیسیون تجدید نظری بشود .

**ذکاءالملک** - تقاضا میکنم برود بکمیسیون .

**رئیس** ماده ( ۵۱ ) - ماده مزبور عبارت ذیل قرائت شد :

ماده ( ۵۱ ) - نماینده که تا شش ماه بعد از انتخاب بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است .

**حاج آقا** - بنده این ماده را چون حافظ حقوق مردم در مقام نمایندگی میدانم باندازه تعیین زمان برایش بکنیم که اندازه لزوم میدانم یعنی باید ملاحظه بکنیم که تا چه مقدار وقت لازمست که نماینده از مجلس خودش حرکت کند و بمجلس شورای ملی برسد تا همان اندازه اگر منظور شود فقط حدود و حقوق ملت است و در این مدت هم موجه کار و مشغول خدمت خودش باشد اگر ما نظر باین مطلب داریم باید همان میزان که ممکن است که انتخاب شود و حرکت کند همان میزان را معین کنیم از اینجهت بنده عرض میکنم باینکه اینجا معنای نوشته است که اگر شش ماه بنده در حکم مستعفی است بنده مخالفم بواسطه اینکه اولاً محل انتخابات نسبتاً بهر مرکز مختلف است و ثانیاً اقصی بلاد ایران را که ملاحظه بکنیم و سببش را باین مدت بستن خیلی زیاد میشود بجهت اینکه اگر فرض کنیم از اقصی بلاد بلوچستان مابکنفر نماینده انتخاب کردیم و خواست حرکت کند بیاید بهر مرکز چقدر وقت ببینیم لازم دارد گمان میکنم که يك

ماه ونیم وقت بیشتر لازم نداشته باشد باتمام معطلی های او میگوئیم دو ماه و برای اینکه تصفیه امور خودش را هم در معطلی کرده باشد و حرکت کرده باشد خیلی هم بخواهیم ملاحظه کرده باشیم که در داد و ستد و تجارت باشد معامله و حساب داشته باشد همین قسم چیزهای دیگر دو ماه دیگر کار دارد این میشود چهار ماه از اینجهت ما این دو نقطه نظر را اگر ملاحظه بکنیم باید تجربه بکنیم و هم يك نظری باین داشته باشیم که از محل حرکت میکنند بجهت تعطیل در راه بواسطه اینکه ممکن است که يك نماینده بوقت حرکت کند ولی در بین راه مشغول سیاحت و گردش است و در محل نمایندگی خودش حاضر نشود این يك نظر و نظر دیگر که در محل بعد از انتخاب در مکان خودش باشد و حرکت میکند از این جهت باید این دو تا تجزیه شود و هر دو شرط قرار بدهند لهذا بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود تا دو ماه پس از انتخاب اگر بلاعذر از محل خودش حرکت نکرد در حکم مستعفی است و بعد از حرکت اگر بلاعذر تا دو ماه برنگردد وارد نشود و بمحل نمایندگی نیامد در حکم مستعفی است که هم ملاحظه کار و ترتیب امور زندگی او شده باشد و هم ملاحظه دوری و نزدیکی راه شده باشد و هر دو در نظر آن منظور شده باشد .

**ذکاءالملک** - این ماده که اینجا نوشته شده است بنده عرض میکنم که اینهم یکی از کار هائی است که تازه کرده ایم و حقیقتاً تمبلیست که يك همچو شرطی قرارداد منشی اعضاء کمیسیون ملاحظه کرده اند که چند دفعه اتفاق افتاده است که وکلاء را انتخاب کرده اند و خواسته اند رفع این عیب کرده باشند و این را نوشته اند ولی آن شکلی که آقای حاج آقا فرمودند خیلی محدود و معین شده و در واقع وکیل را تحت قیومت قرار داده اند که لازم است این اندازه از برای او يك محدودی معین شود و او در حدود وظایف خودش آزاد نباشد و حال آنکه ما میبایستی که نظر کنیم که اشخاصیکه نماینده ملتند بتکالیف خودشان آنطوری که شایسته است عمل میکنند و از حدود تکالیف خودشان حتی الامکان خارج نمیشوند و این را هم ملاحظه فرموده اند که نوشته است که بدون عذر موجه اگر تا شش ماه حاضر نشد این را هم نباید و عذر موجه داشته باشد نمیتوان او را در حکم مستعفی دانست ایک ترتیبی است که گویا نمیتواند بیاید از کجا ما باینکه او نماینده است باز برای ملت کار نمیکند شاید او کاری بکند برای ملت که اهمیت دارد شاید کاری هم باشد که راجع بنمایندگی او است و آن کاری نباشد که کار خارج باشد و اینکار وظیفه اوست گویا کند شاید بفرمانند که وظیفه نماینده فقط این است که بیاید در اینجا حاضر بشود و کار های عموم ملت دخالت کند آنهم صحیح است لیکن نباید باین اندازه سخت گرفت و مقید کرد يك نماینده را که بعد از اینکه انتخاب شد حتماً باید بعد از دو ماه حرکت کند و اگر هم وقتی حرکت کرد حکماً باید بعد از دو ماه باینجا برسد این خیلی سخت گیری است که بنظر بنده کسی که این اندازه معتقد ملت بوده است که به نمایندگی انتخاب شده این قید را نباید کرد و این اندازه نباید سخت گیری کرد

هناقتو که مقید بکنیم که اگر تا شش ماه حاضر نشاد و در حکم مستعفی است باید بهمان اندازه کتفا کرد و از قیود دیگری صرف نظر کرد .

**وحید الملک** - بله ابتداء هم یکی از آن مواد فوق العاده است که در این قانون دیده می شود خیلی خوشحالم که آقای مخبر خودشان در این موضوع فرمودند که کار کمیسیون است ولی از اظهار آقای حاج آقا خیلی بر تعجب بنده افزوده که يك مسئله که اینطور غریب بنظر می آید و در حقیقت مخالف با هر قانونی است از کمیسیون پیشنهاد شده است در آن هم آتاهر مبالغه فرمودند که زمان نمایندگی این شخص را محدود کردن است که شش ماه را چهار ماه یا ورند بنده عرض میکنم از آن دقیقه که آراء شمرده شد و نمایندگی يك شخص معین شد آن شخص نماینده ملت است هیچ قوه نمیتواند او را از نمایندگی سلب کند بجز برای عدم اعتماد اهل محل حتی آنهم نمیتواند ولی در بعضی جاها این رسم است که سر دستها و اهل محل میبایند جلسه فوق العاده می کنند عدم اطمینان خودشان را نسبت بان شخص نماینده بیان میکنند خواهش می کنند که او از نمایندگی استعفاء بدهد ولی در اغلب جاها دیگر این رسم و همچو قانونی نیست و هیچ قوه نمیتواند او را از نمایندگی سلب نماید در صورتیکه ما این را قبول میکنیم

دیگر چه طور يك چنین ماده را میتوانیم در مجلس شورای ملی رای بدهیم که هرگاه نماینده انتخاب شود و بعد از شش ماه بمجلس نیاید بالطبع خودش مستعفی باشد این يك چیز فوق العاده است چنانچه خود آقای مخبر فرمودند شاید آن شخص در آن شش ماه مشغول بيك خدمت دیگر باشد و از برای ملت همان کار را بکند ولی در مجلس نتواند حاضر شود و اما در تجربیات خودمان تا بحال در این دوره که بنده ندیدم بکنفر را بنمایندگی انتخاب بکنند و بمجلس شورای ملی نیاید و استعفاء هم نمید گویا دونه را از مجلس شورای ملی انتخاب کردند که نیامدند و استعفاء هم ندادند در اینصورت دو سه موقع اتفاق افتاده است که کسانی که از متمم شدن از حق خودشان قدری تسامح کردند و تامل و تمویق کردند آنوقت بیائیم يك چنین ماده را بنویسیم و قانون بگذاریم بنده بکلی مخالف هستم باین ماده و این ماده باید بکلی حذف شود .

**رئیس** - مذاکرات در این ماده کافی است ؟ ( تردید شد )

**رئیس** - رای بگیریم که کافی است یا کافی نیست آقا باینکه مذاکرات را در این ماده کافی میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - معلوم میشود که کافی است چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود ( بر ترتیب ذیل خوانده شد ) از طرف میرزا مرتضی قلیخان

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۱ چنین نوشته شود هر فائلی که تا سه ماه بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود در حکم مستعفی از نمایندگی است

بعد از حرکت بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشد در حکم مستعفی از نمایندگی است ( از طرف حاج شیخ علی خراسانی ) بنده پیشنهاد میکنم که این جمله بر ماده ۵۱ اضافه شود همچنین اشخاصیکه بیش از مدت ۶ ماه بدون اجازه مجلس غیبت نمایند ( از طرف ادیب التجار ) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۱ هر نماینده از تاریخ انتخاب تا ۳ ماه بدون عذر موجه در تهران حاضر نشود مستعفی است و عذر موجه در این ماده یکی مرض شدید مانع از مسافرت است دیگر معطلی در عرض راه که مجبوری باشد و در هر دو صورت با تصدیق کتبی انجمن ایالتی و ولایتی و حکومت مجلی میباشد .

( ایضاً از طرف حاج آقا بنونان متمم پیشنهاد اول قرائت گردید )

بنده پیشنهاد میکنم ضمیمه شود و همچنین کسی که تا سه ماه بدون اجازه مجلس شورای ملی از مجلس شورای ملی غائب باشد ( از طرف وحید الملک ) بنده پیشنهاد میکنم که ماده ( ۵۱ ) حذف شود .

**رئیس** - بحدف که نمیتوانیم رای بگیریم آقا باینکه معتقد بحدف هستند رای نخواهند داد ( پیشنهاد میرزا مرتضی قلیخان مجدداً قرائت گردید )

**میرزا زهر ترضی قلیخان** - در این ماده مذکور میشود که این ماده برخلاف آزادی خواهد بود ولی این را باید تلفظ شد که همیشه آزادی بر حسب قوانین و حدود محدود خواهد شد و همچنین آزادی وقتیکه مضر با آزادی دیگران بشود محدود میشود و آزادی مطلق در هیچ مملکتی و هیچ دیانتی نیست قوانین همیشه جلوی آزادی یعنی آزادی مطلق را گرفته است در نظامنامه سابق نوشته بودند که هر يك از نمایندگان که در جلسه متوالی حاضر نشوند در حکم مستعفی هستند و چند نفر باینواسطه خارج شدند و در این مجلس چون قانون انتخابات و نظامنامه داخلی اینمطلب نبود چیز هائی واقع شد که خیلی غریب داشت و بعضی محظورات پیش آمد و اگر بگویند چنین مطلبی اتفاق نیفتاده است عرض میکنم در باب وکیل ماژنران و وکیل یزد در دیدن اتفاق افتاد که استعفا دادند و بنده بمجلس حاضر شدم و این مسئله هیچ منافات ندارد که ما باینرا اینجا ذکر کنیم نه اشکالی برای انتخابات فراهم می آید از ذکر اینمطلب و نه جلوی آزادی را میکشد آقای حاج آقا تجدید کرده بودند که دو ماه تعیین کنند برای حرکت بنده این را رد میکنم بجهت اینکه دو ماه هم حقیقتاً کم است و باید چندمیست در اینجا حل بشود هر يك از نمایندگان بعد از آنکه معین شدند و حاضر نشدند باید عدم حضورشان بواسطه عذر موجه باشد عذر موجه که میگویند همین مطالبی است که گفته شد خدمت ملت میکنند یا ناخوش باشد یا گرفتاری داشته باشد و غیر ذلک از این قبیل تمام عذر موجه است ممکن است که يك نماینده معین بشود ولی در راه معطل کاری باشد که راجع بوظیفه خودش است و آنکار خیلی ذی نفع باشد بحال ملت و مملکت از حضورش در اینجا این صورت بدیهیست که او را بنمایندگی میفرستیم و عذرش هم موجه است ولی آن نماینده که بدون عذر موجه نیامد است در واقع علاوه بر اینکه معطل کرده است مجلس شورای ملی را جلوی آزادی دیگران را هم گرفته است مثل اینست که بیست نفر

از نمایندگان حاضر باشند لیکن در جلسات حاضر نشوند برای اینکه مجلس حائز اکثریت نشود و نتواند کار بکند و بنده عرض میکنم هر کس بخواهد بمجلس شورای ملی کار نکند و تعطیل بکند خود او باید خارج شود لهذا بنده این پیشنهاد را کرده ام که مدت سه ماه باشد .

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید ؟  
**ذکاءالملک** - سه ماه کم است .

**بجهت** - اینجا بقیه بنده خیلی مطالب در حد افراط تقریب اظهار میشود بنده عقیده ام همان بود که کمیسیون نوشته است و گمانم این بود که هیچ در آن مذاکره نشود حالا اینهم اظهارات درجه افراط و تقریب میشود اولاً باید دانست که عذر موجه از قبیل مرض و امثال اوست بسا هست که در بعضی مشغول خدمت شده است لیکن آنرا عذر موجه نمیکویند و باید دانست که آن کسیکه از طرف ملت منتخب میشود باید خیلی بی وجدان باشد که بدون عذر موجه بمجلس حاضر نمیشود ولی بدیهی است که عذر موجه از قبیل مرض و امثال او خواهد بود حالا فرض کنیم اگر اهالی شیراز یک نفر را که در پیشی است انتخاب کردند باید اعتبار نامه او بیاید بمجلس دومجلس تصویب بشود اگر تصویب شد مجلس اطلاع دهد باو که او برخیزد بیاید اینجا به بینیم این چقدر طول میکشد که مسافرت کند کارهای خودش را مرتب کند بیاید حالا اگر سه ماه طول کشید آیا این مقدور بوده است یا خیر این عذر هست اگر تمام اینها را عذر بدانند عذر دانه و وسیعی پیدا خواهد کرد که شامل هر چیزی میشود این قید آنوقت لغو است ( که بدون عذر موجه ) بجهت اینکه شامه چیز را عذر دانسته آید علاوه يك آدمی که از طرف ملت انتخاب شده است برای نمایندگی مگر اینکه يك آدم سفیدی باشد که بدون عذر موجه نیاید و استعفاء هم ندهد یا اینکه دشمنی با اساس مشروطیت داشته باشد عذر بیکه با اعضاء کمیسیون گفتیم و در نظر داشتیم این بود که مریض باشد یا راهش دور باشد یا از طرفی که باید طی کند بیاید از آنطرف یا بکنوع نا امنی باشد که نتواند بیاید يك چیز هائی که از شماره مستعفی است و منتظر است و چیز های فوق العاده باشد ما اینها را عذر حساب میکنیم لهذا مقید کردیم بشش ماه چون برای دوره آتی ما میدانیم که اگر غیر از این باشد شش ماه فرض کنیم یعنی کمتر باشد مدت آنوقت اشخاصی که انتخاب شده اند به نمایندگی باید بدون عذر هیچ جهت شش ماه از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است و خیلی صحیح است و این سه ماهی که آقا پیشنهاد کردند عقیده بنده این است که اگر خوب ملاحظه بفرمائید و قدری تأمل نمایند خواهید یافت که خیلی کم است و آن وقت خودشان این پیشنهاد را پس خواهند گرفت .

**رئیس** - رای بگیریم در قابل توجه شدن پیشنهاد آقای میرزا مرتضی قلیخان آقا باینکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( بعضی قیام کردند )

**رئیس** - قابل توجه نشد ( مجدداً اصلاح حاج آقا قرائت شد )

**حاج آقا** - بنده باینکه لرز کردم و هیچ حال ندارم مدلك چون مطلب مهم است ترفتم تا اینکه هرايضم را بکنم یعنی وظیفه وجدانی خودم را عرض کنم من خیلی تعجب میکنم از کسانی که استدلال بفرسده و کالت میکنند و آن وقت بیان میکنند که وکیل وقتیکه وکیل شد هیچ قوه نمیتواند او را از جای خودش متزلزل کند دیگر در بعضی جاها برای عدم اعتماد اهل محل آن وقت میفرمایند این وکیل هم اگر از اول دوره تا آخر دوره کشت و سیر باشد و اگر از اول دوره تا آخر دوره وارد مجلس شورای ملی نشود و مشغول به خدمت خودش نشود و هیچ وظیفه خودش را ادا نکند و اثری بر وجودش مترتب نباشد آن وقت استفاده کند از نمایندگی ملت و از مقام وکالت یعنی از آن مصونیتی که برای او وکیل است یعنی قبول وکالت را برای آن کرده است که مصون باشد از هر اقدامی که میکند در خصوصیات خارجی مصون باشد و اولاً صل بوکالت نکرده باشد و وکیل یعنی حافظ حقوق موکلت باشد و وکیل یعنی نماینده موکلت میگویند این يك ترتیبی است مثل این است که وکیل در تحت قیومت موکلت است بلی شاید در اینجا هنوز معلوم نشده باشد که وکیل در تحت قیومت موکلت است بله بنده عرض میکنم تا زمانیکه وکیل بتوان وکالت باقی است باید تمام وجهش مادام که استعفاء نداده صریحاً بموکلت باشد پس در مورد بیکه وکیل میخواهد عنوان وکالت بر او صادق بیاید بوظیفه خودش عمل بکند ؟ يك بیچاره مردمی که او را انتخاب کرده اند بی تکلیف بگذارند که هیچکس نباشد که بیاید حفظ حقوق آن هاد را بکند تعجب میکنم که چطور میتوان این را وکیل و حافظ حقوق ملت گفت و وکیل چه در امور عمومی چه در امور خصوصی همینکه بوظیفه خودش عمل نکند در عرض مستعفی است اما در مقام مدت بنده پیشنهاد کردم چهار ماه این مقام مدت را بنده عرض کردم از روی يك فلسفه و يك ترتیبی باید مراعات شود بینیم که این چقدر مدت لازم دارد و هر قدر مدت لازم دارد همان مقدار را معین کنیم البته هر نماینده که معین میشود بکمدتی لازم دارد برای اینکه ترتیبات خودش را بدهد و بعد حرکت بکند يك مدتی هم لازم دارد برای اینکه راه بیاید تا اینجا بیاید يك مدتی هم بر این بیفزاید و آنرا معین کنید حالا اگر شش ماه کم است از برای حرکت از تبریز یا از قم یا از يك مدتی بر او بیفزاید بنده عرض میکنم ملاحظه کنید مطلقاً این مدتی که لازم است برای او چقدر است بنده عرض میکنم دو ماه برای ترتیب امور او قرار بدهید دو ماه هم برای مسافرت اگر ما بخواهیم مدت برای او معین بکنیم این نمیشود میگویند شاید عذر داشته باشد و در حدود عذر مذکور میشود این يك چیزی است که معلوم است عذر بنده بنظر عرف است و از مطالب عرفیه است هر جا عرف گفته اند عذر است بگفته میبینیم که وکیل ناخوش هم نیست حاضر برای حرکت هم هست و ساطعاً بنده حاضر ندارم باینکه حرکت کرده در بین راه وساطت قلبه از بین میرود یا اینکه عذر بنده بدیهی است تمام اینها عرفاً عذر است این دیگر يك مطلب

بنده باینکه لرز کردم و هیچ حال ندارم مدلك چون مطلب مهم است ترفتم تا اینکه هرايضم را بکنم یعنی وظیفه وجدانی خودم را عرض کنم من خیلی تعجب میکنم از کسانی که استدلال بفرسده و کالت میکنند و آن وقت بیان میکنند که وکیل وقتیکه وکیل شد هیچ قوه نمیتواند او را از جای خودش متزلزل کند دیگر در بعضی جاها برای عدم اعتماد اهل محل آن وقت میفرمایند این وکیل هم اگر از اول دوره تا آخر دوره کشت و سیر باشد و اگر از اول دوره تا آخر دوره وارد مجلس شورای ملی نشود و مشغول به خدمت خودش نشود و هیچ وظیفه خودش را ادا نکند و اثری بر وجودش مترتب نباشد آن وقت استفاده کند از نمایندگی ملت و از مقام وکالت یعنی از آن مصونیتی که برای او وکیل است یعنی قبول وکالت را برای آن کرده است که مصون باشد از هر اقدامی که میکند در خصوصیات خارجی مصون باشد و اولاً صل بوکالت نکرده باشد و وکیل یعنی حافظ حقوق موکلت باشد و وکیل یعنی نماینده موکلت میگویند این يك ترتیبی است مثل این است که وکیل در تحت قیومت موکلت است بلی شاید در اینجا هنوز معلوم نشده باشد که وکیل در تحت قیومت موکلت است بله بنده عرض میکنم تا زمانیکه وکیل بتوان وکالت باقی است باید تمام وجهش مادام که استعفاء نداده صریحاً بموکلت باشد پس در مورد بیکه وکیل میخواهد عنوان وکالت بر او صادق بیاید بوظیفه خودش عمل بکند ؟ يك بیچاره مردمی که او را انتخاب کرده اند بی تکلیف بگذارند که هیچکس نباشد که بیاید حفظ حقوق آن هاد را بکند تعجب میکنم که چطور میتوان این را وکیل و حافظ حقوق ملت گفت و وکیل چه در امور عمومی چه در امور خصوصی همینکه بوظیفه خودش عمل نکند در عرض مستعفی است اما در مقام مدت بنده پیشنهاد کردم چهار ماه این مقام مدت را بنده عرض کردم از روی يك فلسفه و يك ترتیبی باید مراعات شود بینیم که این چقدر مدت لازم دارد و هر قدر مدت لازم دارد همان مقدار را معین کنیم البته هر نماینده که معین میشود بکمدتی لازم دارد برای اینکه ترتیبات خودش را بدهد و بعد حرکت بکند يك مدتی هم لازم دارد برای اینکه راه بیاید تا اینجا بیاید يك مدتی هم بر این بیفزاید و آنرا معین کنید حالا اگر شش ماه کم است از برای حرکت از تبریز یا از قم یا از يك مدتی بر او بیفزاید بنده عرض میکنم ملاحظه کنید مطلقاً این مدتی که لازم است برای او چقدر است بنده عرض میکنم دو ماه برای ترتیب امور او قرار بدهید دو ماه هم برای مسافرت اگر ما بخواهیم مدت برای او معین بکنیم این نمیشود میگویند شاید عذر داشته باشد و در حدود عذر مذکور میشود این يك چیزی است که معلوم است عذر بنده بنظر عرف است و از مطالب عرفیه است هر جا عرف گفته اند عذر است بگفته میبینیم که وکیل ناخوش هم نیست حاضر برای حرکت هم هست و ساطعاً بنده حاضر ندارم باینکه حرکت کرده در بین راه وساطت قلبه از بین میرود یا اینکه عذر بنده بدیهی است تمام اینها عرفاً عذر است این دیگر يك مطلب

بنده باینکه لرز کردم و هیچ حال ندارم مدلك چون مطلب مهم است ترفتم تا اینکه هرايضم را بکنم یعنی وظیفه وجدانی خودم را عرض کنم من خیلی تعجب میکنم از کسانی که استدلال بفرسده و کالت میکنند و آن وقت بیان میکنند که وکیل وقتیکه وکیل شد هیچ قوه نمیتواند او را از جای خودش متزلزل کند دیگر در بعضی جاها برای عدم اعتماد اهل محل آن وقت میفرمایند این وکیل هم اگر از اول دوره تا آخر دوره کشت و سیر باشد و اگر از اول دوره تا آخر دوره وارد مجلس شورای ملی نشود و مشغول به خدمت خودش نشود و هیچ وظیفه خودش را ادا نکند و اثری بر وجودش مترتب نباشد آن وقت استفاده کند از نمایندگی ملت و از مقام وکالت یعنی از آن مصونیتی که برای او وکیل است یعنی قبول وکالت را برای آن کرده است که مصون باشد از هر اقدامی که میکند در خصوصیات خارجی مصون باشد و اولاً صل بوکالت نکرده باشد و وکیل یعنی حافظ حقوق موکلت باشد و وکیل یعنی نماینده موکلت میگویند این يك ترتیبی است مثل این است که وکیل در تحت قیومت موکلت است بلی شاید در اینجا هنوز معلوم نشده باشد که وکیل در تحت قیومت موکلت است بله بنده عرض میکنم تا زمانیکه وکیل بتوان وکالت باقی است باید تمام وجهش مادام که استعفاء نداده صریحاً بموکلت باشد پس در مورد بیکه وکیل میخواهد عنوان وکالت بر او صادق بیاید بوظیفه خودش عمل بکند ؟ يك بیچاره مردمی که او را انتخاب کرده اند بی تکلیف بگذارند که هیچکس نباشد که بیاید حفظ حقوق آن هاد را بکند تعجب میکنم که چطور میتوان این را وکیل و حافظ حقوق ملت گفت و وکیل چه در امور عمومی چه در امور خصوصی همینکه بوظیفه خودش عمل نکند در عرض مستعفی است اما در مقام مدت بنده پیشنهاد کردم چهار ماه این مقام مدت را بنده عرض کردم از روی يك فلسفه و يك ترتیبی باید مراعات شود بینیم که این چقدر مدت لازم دارد و هر قدر مدت لازم دارد همان مقدار را معین کنیم البته هر نماینده که معین میشود بکمدتی لازم دارد برای اینکه ترتیبات خودش را بدهد و بعد حرکت بکند يك مدتی هم لازم دارد برای اینکه راه بیاید تا اینجا بیاید يك مدتی هم بر این بیفزاید و آنرا معین کنید حالا اگر شش ماه کم است از برای حرکت از تبریز یا از قم یا از يك مدتی بر او بیفزاید بنده عرض میکنم ملاحظه کنید مطلقاً این مدتی که لازم است برای او چقدر است بنده عرض میکنم دو ماه برای ترتیب امور او قرار بدهید دو ماه هم برای مسافرت اگر ما بخواهیم مدت برای او معین بکنیم این نمیشود میگویند شاید عذر داشته باشد و در حدود عذر مذکور میشود این يك چیزی است که معلوم است عذر بنده بنظر عرف است و از مطالب عرفیه است هر جا عرف گفته اند عذر است بگفته میبینیم که وکیل ناخوش هم نیست حاضر برای حرکت هم هست و ساطعاً بنده حاضر ندارم باینکه حرکت کرده در بین راه وساطت قلبه از بین میرود یا اینکه عذر بنده بدیهی است تمام اینها عرفاً عذر است این دیگر يك مطلب

بنده باینکه لرز کردم و هیچ حال ندارم مدلك چون مطلب مهم است ترفتم تا اینکه هرايضم را بکنم یعنی وظیفه وجدانی خودم را عرض کنم من خیلی تعجب میکنم از کسانی که استدلال بفرسده و کالت میکنند و آن وقت بیان میکنند که وکیل وقتیکه وکیل شد هیچ قوه نمیتواند او را از جای خودش متزلزل کند دیگر در بعضی جاها برای عدم اعتماد اهل محل آن وقت میفرمایند این وکیل هم اگر از اول دوره تا آخر دوره کشت و سیر باشد و اگر از اول دوره تا آخر دوره وارد مجلس شورای ملی نشود و مشغول به خدمت خودش نشود و هیچ وظیفه خودش را ادا نکند و اثری بر وجودش مترتب نباشد آن وقت استفاده کند از نمایندگی ملت و از مقام وکالت یعنی از آن مصونیتی که برای او وکیل است یعنی قبول وکالت را برای آن کرده است که مصون باشد از هر اقدامی که میکند در خصوصیات خارجی مصون باشد و اولاً صل بوکالت نکرده باشد و وکیل یعنی حافظ حقوق موکلت باشد و وکیل یعنی نماینده موکلت میگویند این يك ترتیبی است مثل این است که وکیل در تحت قیومت موکلت است بلی شاید در اینجا هنوز معلوم نشده باشد که وکیل در تحت قیومت موکلت است بله بنده عرض میکنم تا زمانیکه وکیل بتوان وکالت باقی است باید تمام وجهش مادام که استعفاء نداده صریحاً بموکلت باشد پس در مورد بیکه وکیل میخواهد عنوان وکالت بر او صادق بیاید بوظیفه خودش عمل بکند ؟ يك بیچاره مردمی که او را انتخاب کرده اند بی تکلیف بگذارند که هیچکس نباشد که بیاید حفظ حقوق آن هاد را بکند تعجب میکنم که چطور میتوان این را وکیل و حافظ حقوق ملت گفت و وکیل چه در امور عمومی چه در امور خصوصی همینکه بوظیفه خودش عمل نکند در عرض مستعفی است اما در مقام مدت بنده پیشنهاد کردم چهار ماه این مقام مدت را بنده عرض کردم از روی يك فلسفه و يك ترتیبی باید مراعات شود بینیم که این چقدر مدت لازم دارد و هر قدر مدت لازم دارد همان مقدار را معین کنیم البته هر نماینده که معین میشود بکمدتی لازم دارد برای اینکه ترتیبات خودش را بدهد و بعد حرکت بکند يك مدتی هم لازم دارد برای اینکه راه بیاید تا اینجا بیاید يك مدتی هم بر این بیفزاید و آنرا معین کنید حالا اگر شش ماه کم است از برای حرکت از تبریز یا از قم یا از يك مدتی بر او بیفزاید بنده عرض میکنم ملاحظه کنید مطلقاً این مدتی که لازم است برای او چقدر است بنده عرض میکنم دو ماه برای ترتیب امور او قرار بدهید دو ماه هم برای مسافرت اگر ما بخواهیم مدت برای او معین بکنیم این نمیشود میگویند شاید عذر داشته باشد و در حدود عذر مذکور میشود این يك چیزی است که معلوم است عذر بنده بنظر عرف است و از مطالب عرفیه است هر جا عرف گفته اند عذر است بگفته میبینیم که وکیل ناخوش هم نیست حاضر برای حرکت هم هست و ساطعاً بنده حاضر ندارم باینکه حرکت کرده در بین راه وساطت قلبه از بین میرود یا اینکه عذر بنده بدیهی است تمام اینها عرفاً عذر است این دیگر يك مطلب

بنده باینکه لرز کردم و هیچ حال ندارم مدلك چون مطلب مهم است ترفتم تا اینکه هرايضم را بکنم یعنی وظیفه وجدانی خودم را عرض کنم من خیلی تعجب میکنم از کسانی که استدلال بفرسده و کالت میکنند و آن وقت بیان میکنند که وکیل وقتیکه وکیل شد هیچ قوه نمیتواند او را از جای خودش متزلزل کند دیگر در بعضی جاها برای عدم اعتماد اهل محل آن وقت میفرمایند این وکیل هم اگر از اول دوره تا آخر دوره کشت و سیر باشد و اگر از اول دوره تا آخر دوره وارد مجلس شورای ملی نشود و مشغول به خدمت خودش نشود و هیچ وظیفه خودش را ادا نکند و اثری بر وجودش مترتب نباشد آن وقت استفاده کند از نمایندگی ملت و از مقام وکالت یعنی از آن مصونیتی که برای او وکیل است یعنی قبول وکالت را برای آن کرده است که مصون باشد از هر اقدامی که میکند در خصوصیات خارجی مصون باشد و اولاً صل بوکالت نکرده باشد و وکیل یعنی حافظ حقوق موکلت باشد و وکیل یعنی نماینده موکلت میگویند این يك ترتیبی است مثل این است که وکیل در تحت قیومت موکلت است بلی شاید در اینجا هنوز معلوم نشده باشد که وکیل در تحت قیومت موکلت است بله بنده عرض میکنم تا زمانیکه وکیل بتوان وکالت باقی است باید تمام وجهش مادام که استعفاء نداده صریحاً بموکلت باشد پس در مورد بیکه وکیل میخواهد عنوان وکالت بر او صادق بیاید بوظیفه خودش عمل بکند ؟ يك بیچاره مردمی که او را انتخاب کرده اند بی تکلیف بگذارند که هیچکس نباشد که بیاید حفظ حقوق آن هاد را بکند تعجب میکنم که چطور میتوان این را وکیل و حافظ حقوق ملت گفت و وکیل چه در امور عمومی چه در امور خصوصی همینکه بوظیفه خودش عمل نکند در عرض مستعفی است اما در مقام مدت بنده پیشنهاد کردم چهار ماه این مقام مدت را بنده عرض کردم از روی يك فلسفه و يك ترتیبی باید مراعات شود بینیم که این چقدر مدت لازم دارد و هر قدر مدت لازم دارد همان مقدار را معین کنیم البته هر نماینده که معین میشود بکمدتی لازم دارد برای اینکه ترتیبات خودش را بدهد و بعد حرکت بکند يك مدتی هم لازم دارد برای اینکه راه بیاید تا اینجا بیاید يك مدتی هم بر این بیفزاید و آنرا معین کنید حالا اگر شش ماه کم است از برای حرکت از تبریز یا از قم یا از يك مدتی بر او بیفزاید بنده عرض میکنم ملاحظه کنید مطلقاً این مدتی که لازم است برای او چقدر است بنده عرض میکنم دو ماه برای ترتیب امور او قرار بدهید دو ماه هم برای مسافرت اگر ما بخواهیم مدت برای او معین بکنیم این نمیشود میگویند شاید عذر داشته باشد و در حدود عذر مذکور میشود این يك چیزی است که معلوم است عذر بنده بنظر عرف است و از مطالب عرفیه است هر جا عرف گفته اند عذر است بگفته میبینیم که وکیل ناخوش هم نیست حاضر برای حرکت هم هست و ساطعاً بنده حاضر ندارم باینکه حرکت کرده در بین راه وساطت قلبه از بین میرود یا اینکه عذر بنده بدیهی است تمام اینها عرفاً عذر است این دیگر يك مطلب

بنده باینکه لرز کردم و هیچ حال ندارم مدلك چون مطلب مهم است ترفتم تا اینکه هرايضم را بکنم یعنی وظیفه وجدانی خودم را عرض کنم من خیلی تعجب میکنم از کسانی که استدلال بفرسده و کالت میکنند و آن وقت بیان میکنند که وکیل وقتیکه وکیل شد هیچ قوه نمیتواند او را از جای خودش متزلزل کند دیگر در بعضی جاها برای عدم اعتماد اهل محل آن وقت میفرمایند این وکیل هم اگر از اول دوره تا آخر دوره کشت و سیر باشد و اگر از اول دوره تا آخر دوره وارد مجلس شورای ملی نشود و مشغول به خدمت خودش نشود و هیچ وظیفه خودش را ادا نکند و اثری بر وجودش مترتب نباشد آن وقت استفاده کند از نمایندگی ملت و از مقام وکالت یعنی از آن مصونیتی که برای او وکیل است یعنی قبول وکالت را برای آن کرده است که مصون باشد از هر اقدامی که میکند در خصوصیات خارجی مصون باشد و اولاً صل بوکالت نکرده باشد و وکیل یعنی حافظ حقوق موکلت باشد و وکیل یعنی نماینده موکلت میگویند این يك ترتیبی است مثل این است که وکیل در تحت قیومت موکلت است بلی شاید در اینجا هنوز معلوم نشده باشد که وکیل در تحت قیومت موکلت است بله بنده عرض میکنم تا زمانیکه وکیل بتوان وکالت باقی است باید تمام وجهش مادام که استعفاء نداده صریحاً بموکلت باشد پس در مورد بیکه وکیل میخواهد عنوان وکالت بر او صادق بیاید بوظیفه خودش عمل بکند ؟ يك بیچاره مردمی که او را انتخاب کرده اند بی تکلیف بگذارند که هیچکس نباشد که بیاید حفظ حقوق آن هاد را بکند تعجب میکنم که چطور میتوان این را وکیل و حافظ حقوق ملت گفت و وکیل چه در امور عمومی چه در امور خصوصی همینکه بوظیفه خودش عمل نکند در عرض مستعفی است اما در مقام مدت بنده پیشنهاد کردم چهار ماه این مقام مدت را بنده عرض کردم از روی يك فلسفه و يك ترتیبی باید مراعات شود بینیم که این چقدر مدت لازم دارد و هر قدر مدت لازم دارد همان مقدار را معین کنیم البته هر نماینده که معین میشود بکمدتی لازم دارد برای اینکه ترتیبات خودش را بدهد و بعد حرکت بکند يك مدتی هم لازم دارد برای اینکه راه بیاید تا اینجا بیاید يك مدتی هم بر این بیفزاید و آنرا معین کنید حالا اگر شش ماه کم است از برای حرکت از تبریز یا از قم یا از يك مدتی بر او بیفزاید بنده عرض میکنم ملاحظه کنید مطلقاً این مدتی که لازم است برای او چقدر است بنده عرض میکنم دو ماه برای ترتیب امور او قرار بدهید دو ماه هم برای مسافرت اگر ما بخواهیم مدت برای او معین بکنیم این نمیشود میگویند شاید عذر داشته باشد و در حدود عذر مذکور میشود این يك چیزی است که معلوم است عذر بنده بنظر عرف است و از مطالب عرفیه است هر جا عرف گفته اند عذر است بگفته میبینیم که وکیل ناخوش هم نیست حاضر برای حرکت هم هست و ساطعاً بنده حاضر ندارم باینکه حرکت کرده در بین راه وساطت قلبه از بین میرود یا اینکه عذر بنده بدیهی است تمام اینها عرفاً عذر است این دیگر يك مطلب

بنده باینکه لرز کردم و هیچ حال ندارم مدلك چون مطلب مهم است ترفتم تا اینکه هرايضم را بکنم یعنی وظیفه وجدانی خودم را عرض کنم من خیلی تعجب میکنم از کسانی که استدلال بفرسده و کالت میکنند و آن وقت بیان میکنند که وکیل وقتیکه وکیل شد هیچ قوه نمیتواند او را از جای خودش متزلزل کند دیگر در بعضی جاها برای عدم اعتماد اهل محل آن وقت میفرمایند این وکیل هم اگر از اول دوره تا آخر دوره کشت و سیر باشد و اگر از اول دوره تا آخر دوره وارد مجلس شورای ملی نشود و مشغول به خدمت خودش نشود و هیچ وظیفه خودش را ادا نکند و اثری بر وجودش مترتب نباشد آن وقت استفاده کند از نمایندگی ملت و از مقام وکالت یعنی از آن مصونیتی که برای او وکیل است یعنی قبول وکالت را برای آن کرده است که مصون باشد از هر اقدامی که میکند در خصوصیات خارجی مصون باشد و اولاً صل بوکالت نکرده باشد و وکیل یعنی حافظ حقوق موکلت باشد و وکیل یعنی نماینده موکلت میگویند این يك ترتیبی است مثل این است که وکیل در تحت قیومت موکلت است بلی شاید در اینجا هنوز معلوم نشده باشد که وکیل در تحت قیومت موکلت است بله بنده عرض میکنم تا زمانیکه وکیل بتوان وکالت باقی است باید تمام وجهش مادام که استعفاء نداده صریحاً بموکلت باشد پس در مورد بیکه وکیل میخواهد عنوان وکالت بر او صادق بیاید بوظیفه خودش عمل بکند ؟ يك بیچاره مردمی که او را انتخاب کرده اند بی تکلیف بگذارند که هیچکس نباشد که بیاید حفظ حقوق آن هاد را بکند تعجب میکنم که چطور میتوان این را وکیل و حافظ حقوق ملت گفت و وکیل چه در امور عمومی چه در امور خصوصی همینکه بوظیفه خودش عمل نکند در عرض مستعفی است اما در مقام مدت بنده پیشنهاد کردم چهار ماه این مقام مدت را بنده عرض کردم از روی يك فلسفه و يك ترتیبی باید مراعات شود بینیم که این چقدر مدت لازم دارد و هر قدر مدت لازم دارد همان مقدار را معین کنیم البته هر نماینده که معین میشود بکمدتی لازم دارد برای اینکه ترتیبات خودش را بدهد و بعد حرکت ب







دای گرفته شد تصویب شد در تانی بواسطه اینکه نظر بایات والا حضرت در آن لازم بود و نشد بود مسترد شد که والا حضرت نظر خودشان را در آن بفرمایند و این رایورت هم حالا خوانده شد حقوق این اشخاص سابقاً جزو بودجه دربار بوده است و این اشخاص جزو مستخدمین دربار بوده اند حالا هم مستخدم هستند پس بهتر این است که همانطوریکه والا حضرت خواستند در بودجه دربار که در مجلس تصویب شده بود نظارت نمایند این را هم جزو آن بودجه کنند که با بودجه دربار یکدفعه بمجلس بیاید الا اینکه آن قسمتی که اول آن بود مسترد بکنند و این قسمت را که جزو او است آن را تصویب بکنیم من نهادم چطور میشود که یک قسمت کل او حالا باشد و یک قسمت جزو آن تصویب شود و اگر هم آقایان صلاح بدانند در این مذاکره شود عرض میکنم که در کمیسیون خیلی مذاکره شد تحقیقات لازم هم عمل آمد نظر بجمع افراد رد کردیم حتی افراد این اشخاص که حقوق داشتند و آنها که استحقاق نداشتند معلوم شد که کمی مستحق است و کمی مستحق نیست و که باید حقوقش قطع شود که بر خلاف اساس جدید است و از روی تحقیق یک رأی اتخاذ شد و نانیاً در کمیسیون چند جلسه را هم خودم بودم دیدم که نخواهند تجدید رای کنند ولی بنده بعقیده خودم باقی بودم و حالا آنها تیکه در اینجا قطع شده بود دو باره می بینم که یک قدری در اینجا تصویب شده است و عقیده بنده این است که همان رای سابق کافی است علاوه بر این این رایورت به آن رایورت خیلی تفاوت دارد کلیه غلط است بواسطه اینکه در رایورت اسامی بعضی از اشخاص مثل نوکر ها و بستگان امیر بهادر و غیره هست که بکلی حقوق آنها قطع شده است و اگر بعضی هم هست که قطع نشده است عاقبت قطع خواهد شد و همچنین بعضی اشخاص دیگر را که در جاهای دیگر حقوق داشتند و قطع شد باز دوباره در اینجا نوشته شده است تصویب شده است در هر صورت عقیده بنده اینست همانطور که آن قسمت کل را که در بودجه دربار است مسترد داشتند والا حضرت که نظر خودشان را بکنند اینرا هم خوبست مسترد بدارند زیرا که خود دولت بهتر میدانند اگر اشخاصی هستند که باید مستخدم باشند که آنها را لازم دارند و حقوق بآن ها خواهند داد اگر آقایان این را تصویب میکنند پس این راجع میشود بآن رایورت اولی کمیسیون پس باین جهت ما نمی توانیم تصویب کنیم آخر یک وقتی هم هست که به بعضی از اشخاص هم که مستحق هستند نباید داد تا بآنها تیکه مستحق نیستند بتوانیم بدهیم.

حاج عز الممالک مخیر کمیسیون بودجه

اینکه آقای حاج شیخعلی فرمودند که این مطلب راجع بودجه دربار است عرض میکنم که این ابدأ راجع بودجه دربار نیست در موقعیکه کمیسیون ماله در دور مشروطیت سابق حقوقات مردم راجح و تعدیل مینمود بعضی اشخاص بمناسبت اینکه در دربار مستخدم بودند حقوقشان را در بودجه درباری معین کردند باینجهت ابدأ کمیسیون ماله سابق در آنها نظری نکرد ولی در این دوره برای اینکه دربار را هم مثل سایر ادارات دولتی رفورم کردند

بوجب يك ماده معلوم و تصویب شود و این را نه اینکه تصور نکنید که از رایورت افتاده باشد بلکه جزء رایورت نه بوده است و جزء این ماده بوده باشد فرائض شود و آن پیشنهاد هم فرائض خواهد شد عیالاً مجلس باید تکلیف این پنج هزار نفر رامین کند برای اینکه تمام این اشخاص در وزارت ماله متظلم هستند و از وزارت ماله چندین مرتبه بمجلس و کمیسیون بودجه اظهار شده است که تکلیف اینها را معلوم کنید در اینصورت بنده عرض میکنم که بطور کلی نباید اینها را رد بکنیم بلکه باید يك ترتیب کلی برای آنها معین بشود آقایان در مواد و در جزئیات آنها هم نوع نظریاتی میتوانند بکنند در حقیقت باید تکلیف اینها را معین بکنند زیرا که اینها هم روزه عارض هستند و خودشان را صاحب حقوق میدانند اگر قطع کردنی است که اینجا قطع بکنند و الا بدون اینکه تکلیف اینها معین بشود صحیح نیست که آنها هم روزه متظلم شوند و وزارت ماله هم تکلیف خودش را نداند.

محمد هاشم میرزا - اول از فرمایش

اخیری که آقای مخیر کمیسیون اظهار داشتند که باید امروز تکلیف این لایحه معین شود و تصویب میکنم که مطلب باین مفصلی و مشکلی را بطور ممکن است در یکساعت تکلیف معین شود و بنده حق میدهم بمجلس شورای ملی اگر در جلسه در این لایحه مذاکره شود بجهت اینکه ممکن است تفاوتش صد الی صد هزار باشد بجهت اینکه دیده ایم که چیز های جزئی که بمجلس می آید و در مجلس مذاکره میشود و بی تکلیف میماند دو مرتبه او را به مجلس می آورند پس این بطریق اولی باید مذاکره شود برای اینکه منفعت کلی دارد و بنابراین ضرر ندارد که چندین مرتبه هم در آن گفتگو شود و اینهم که آقای حاج شیخعلی فرمودند مقصود این نبود که بکلی مقطوع شود که آقای مخیر اظهار فرمودند جمعی بی نان خواهند شد گفتگوی آقای حاج شیخ علی و دیگران این نبود که بکلی قطع شود بلکه نظرشان این بود که آن نظریکه در مرتبه اول برای کمیسیون حاصل شده بود اینرا بنظر مجلس شورای ملی برسانند البته خاطر آقایان مسیوق است که از ۱۴ میزان پارسال تا امسال کاری که می توان از کمیسیون بودجه و پیشرفت کرده است بیشتر همین بوده است و واقعاً این نتیجه و حاصل عمر یکساله ( ۱۸ ) نفر اعضاء کمیسیون بوده است و فایده که از کمیسیون بودجه میشود برد که در هفته چهار پنج روز اوقات صرف کرده اند میخوام عرض کنم که همین است و بدیهی است آنچه که کمیسیون بودجه لازم بوده است تصویب کرده است و در رایورت سابق کمیسیون نوشته نشده بود که ابقاء یا مقطوع بشود ولی در این رایورت که نوشته شده است چون مواد قانون بود اشخاصی را که حقوقشان مقطوع شده بود يك ماده علیحده کردیم و يك فرد علیحده نوشتیم و پیشنهاد مجلس کردیم در خصوص آن اشخاصیکه میبایستی حتماً در حق آنها رای بدهد و حقوق آنها را قطع بکنند رایورتی نوشته و تقدیم کردیم و بنده هم علیحده يك پیشنهادی به هیئت رئیسه تقدیم کردم که اشخاصیکه حقوق آنها جزو مقطوعین محسوب میشود

این را هم تصویب میکنم چنانچه خودم در کمیسیون بایشان عرض کردم يك فردی که اسامی اینها از آن خوب معلوم بشود که اینها چه اشخاصی هستند و در رایورت سابق کمیسیون نوشته نشده بود که ابقاء یا مقطوع بشود ولی در این رایورت که نوشته شده است چون مواد قانون بود اشخاصی را که حقوقشان مقطوع شده بود يك ماده علیحده کردیم و يك فرد علیحده نوشتیم و پیشنهاد مجلس کردیم در خصوص آن اشخاصیکه میبایستی حتماً در حق آنها رای بدهد و حقوق آنها را قطع بکنند رایورتی نوشته و تقدیم کردیم و بنده هم علیحده يك پیشنهادی به هیئت رئیسه تقدیم کردم که اشخاصیکه حقوق آنها جزو مقطوعین محسوب میشود

که بنده میدانم که آن رایورت اولی را بی تحقیق نداده است بلکه معاون وزارت ماله با میرزا محمد علی خان سرشته دار فرزند اینها رسیدگی کردند و يك نامه کلی اتخاذ شده بود این رأی است که بعد داده شده است و آنرا رأی کلی نمیشود اتخاذ کرد بجهت اینکه مبدء و منشاء و دادن اینها و اشتقاقشان تماماً هم تفاوت دارد ممکن است که یکی ۶۰۰ تومان داشته باشد و مستحق باشد و ممکن است که يك ۱۸ تومانی باشد و مستحق نباشد زیادی و کمی حقوق دلیل استحقاق نیست و اگر چنانچه مقاداری دقت و ملاحظه بفرمایید اینها تمام معلوم خواهد شد و ممکن است که يك کسی هم باشد که ابدأ استحقاق حقوق ندارد در مقابل پانصد تومان می برد و ممکن است يك کسی باشد که استحقاق دارد ولی ده تومان بیشتر نگیرد در صورتی که آن ده تومان کفایت حال او را نمیکند و این قانونیکه کمیسیون بودجه اخیراً گذاشته است تا دیوست و چهل تومان برقرار باشد و هیچ مذاکره در کم و زیادش نشود و همینقدر که از دیوست و چهل تومان يك تومان زیاد باشد قطع شود بنظر بنده صحیح نمی آید و البته زحمت ششماه و چهار ماهه را که کمیسیون کشیده است و فرد فرد اینها در دست آمده و فقیر و غنی آنها و اینکه بعد از این حقوق چه بوده است فقیر آنها استحقاق عقاید آنها که آیا از خدمتگذاران اساسی جدید هستند یا نیستند یا اینها از متوفیات بوده است یا نبوده است تمام اینها مفصلاً تحقیق شده است و ممکن نبوده است که بهتر از این رسیدگی نمود حتی آنکه چیزهایی را که سر رشته دار مسبو نبود آنها را هم رسیدگی کردند و البته معاون وزارت ماله در صورتیکه در آنجا بودند تحقیق نمیکردند رأی قطعی نمی دادند پس آن زحمات را بی فایده نمیتوان پنداشت اگر مذاکرات نشود بنده میتوانم یکی یکی را عرض بکنم که چه تفاوت دارد زیرا تحقیقاتی که در آن مدت شده است تمام در ذهن بنده جایگیر شده است علاوه بر این تفاوت این قانون کلی که در کمیسیون ترتیب داده شده با اینکه سابقاً کمیسیون رأی داده است افلا ۲۵ هزار تومان است اگر چه درست حساب او در نظرم نیست ولی خیلی لایق و سزاوار است که برای این ۲۵ هزار تومان هم دو سه جلسه رسیدگی شود و اینکه گفته میشود که نمی شود از فرزند ملاحظاتی کرد در کمیسیون ماله آن مطبوعات که پیشنهاد مجلس شدند این بود که هر نماینده ۹ روز معطل میشد تا اینکه یک فقره را رأی بدهد کمیسیون معینی که نبوده که در آن کمیسیون رسیدگی میشد و آن نظر و اطلاعاتی که تحصیل کرده بودند نلاحظه آنرا یکمرتبه می آوردند بمجلس و رایورت میدادند و حالا هم کمیسیون بودجه همین کار را کرده است و در مرتبه اول رایورت خودش را داده است منتهی میخوام که بیشتر تحقیقات بکنند بیشتر دقت بکنند آن رایورتی که بنظر سر رشته دار کل گذاشته است خوبست بیاورند در اینجا و در دو روز سه روز رسیدگی بفرمایند هرچایش را که اشکال دارید تحقیق و رسیدگی نمایند اگر اطلاعی ندارید از مخیر و دیگران سؤال بکنند و در يك

جلسه رأی بدهید و اینهم مثل سایر حقوق تاریخی نیست که بگوئیم هر کس دیوست و چهل تومان داشته باشد باید تصویب شود و زیاد بر آن را باید قطع کرد بجهت اینکه بعضی از اینها حقوق اداری بوده است حقوقی است که در ازای خدمت داده شده است نه در ضمن حقوق که در جزء بخشش باشد و بآنها داده باشند تا اینکه در حکم سایر حقوقات باشد و نمی شود حقوق اداری را در حق کسیکه هیچ داخل خدمت نیست بدهند مثل این که اشخاصی هستند که در آخر ایامان که نمایندگان آن هارا میباشند و چند نفر هم در خراسان هستند که آن در کشیک خانه مشغول خدمت هستند حالا چند نفر هم هست که اینطور نیستند ربطی بآن ها ندارد و نمیشود حقوق آن هارا با حقوق دیگران مخلوط کرد البته باید هر کس با استحقاق خودش و در ازاء خدمت خودش حقوقش را ببرد و اینها باید متوافق باشد نه متباين و بنده در صورتیکه مبدء حقوق اینها را استحقاقات آن ها مختلف است مغالطه و عرض میکنم که اینطوریکه بنظر بنده رسیده است هیچ فایده کلی در آن منظور نشده است و دور از عدالت است که حقوق آن هائیکه استحقاق دارند مخلوط شود با حقوق قطع شده ها و البته رسیدگی شود و تازیدگی نشود ممکن نیست که رأی صحیح در این لایحه داد از اینجهت بنده بکلی این ترتیبی را که کمیسیون بودجه اخیراً گذاشته و رایورت داده است رد میکنم و تقاضا میکنم که همان چیزی که در مرتبه اول کمیسیون بودجه داده است خوانده شده و مطرح مذاکره بشود که رد یا تصویب بنمایند **لواء الدوله** - کتابدار منگلی که قانون می آید یا استبداد را بر مدار ایاقان قدیم را بر میدارند بآنها اشخاصی که واضح قانون هستند از وضع قوانین باید سه ملاحظه داشته باشند یکی نفع عامه یکی جریان یکی جریان آن بواسطه اینکه امروز می بینیم که کجا که قبل از ما مشروطه شده اند و ما هم باید از آن ها تقلید بکنیم چطور رفتار کرده اند ما هم بکنیم مثلاً امروزه می بینیم مواجبی را که ما میگوئیم منفعت حوزه ها صد تومان پنجاه تومان دیوست تومان مواجی دارند و اشخاصیکه میگویند ما حقوق بریم اینها را یکدفعه نمیشود قطع بکنند و نمی شود ترتیبی را که در سایر جاها داده اند در اینجا بدهیم مثلاً مثل ژاپون بنده که نمیدانم میگویند که يك مبلغی قرض کرد و ارباب حقوق راسه قسمت کرد يك قسمت را خرید يك قسمت را قطع کرد و يك اندازه را باقی گذاشت يك اندازه صدا هاشان را کوتاه کرد ما که استطاعت ریول نداریم که این هارا بخریم ولی يك اندازه نباید اینها را ساکت کرد که اسباب زحمت نشوند و این تغییر اولیای امور است و ربطی بمجلس ندارد و حقوق اینها را باید دید که باید داد یا خیر اگر آتھائی را که میگوید باید قطع کرد بکلی قطع کنید آتھام خواهند گفت که ما کار رجوع کنید اگر حقوق ما کافی است که هیچ و الا اضافه او را بدهید اگر کافی است و اگر کسر کنید پس بنده بآتھائی که میگویند باید بکلی قطع کرد مغالطه و عقیده بنده این است که نباید دست زد.

آقا میرزا رضای مستوفی - اینحقوق

که حالا پیشنهاد شده است ۸۹ هزار و کسری است معلوم نیست که این ۸۹ هزار چقدر از او را باید تصویب کرد و چقدرش باید کسر شود این کسری هم که باید بشود معین بکنند که ما بدانیم چقدر کسری می شود چقدر این را مجلس قبول کرده است و چقدری قطع شده است و یکی دیگر اینکه این اگر حقوق اداری است که حقوق اداری هم دو قسم است یکی آن که کشته میشود یا خلع میشود معلوم نیست که این از کی بوده است و یکی دیوانی است و اغلب از این حقوقات شاید حقوق اداری باشد پس باید این ها معلوم شود و بعد از آنکه این دو فقره محقق شد آن وقت باید معین کنیم چقدر از آن را قبول کرده ایم و چقدر از او را قطع نموده ایم بهرحال تمام اینها باید معلوم شود.

**حاج عز الممالک** - اولاً جواب آقای میرزا رضای مستوفی را عرض میکنم که جناب عالی از حساب میباید خوب مسیوق باشید و همین قانون را که ملاحظه فرمودید خودتان نمیتوانستید بدانید چقدر برقرار میشود و چقدر قطع می شود اولاً مقطوعات است که معلوم است بعد اشخاصی که کسر نك میشود موع می گردید خوب معلوم میشد که چقدر است بنده او را مطابق رایورتی که از کمیسیون پیشنهاد شده است بعرض می رسانم ( ۱۶۴۵ ) تومان جزء مقطوعات خواهد بود ( ۶۰۰ ) تومان هم از باب کسر نك حساب می شود ( ۲۲۵۰ ) تومان هم نصف متوفیات است ( ۹۰۰ ) تومان هم از اشخاصی است که منجاواست ( ۶۰۰ ) تومان حقوق دارند که تمام آنها ۲۵ هزار و کسری است که موضوع میشود و الباقی را که ( ۶۴ ) هزار تومان میشود مجلس باید برای بدهد و این چیزی است که از روی رایورت خوب معلوم میشود نموده اما راجع باعتبارضاتی که آقای محمد هاشم میرزا اظهار فرمودند بنده میخوام عرض کنم که مجلس اگر بخواهد داخل اشخاص شود هیچ وقت اکثریت در مجلس پیدا نخواهد شد یعنی کم اتفاق می افتد برای اینکه مثلاً بنده توضیح میدهم که این کردم باید در باره او فلاقت برقرار شود و دیگری ممکن است نظر دیگری داشته باشد و پیشنهاد بکنند که کمتر داده شود دیگری پیشنهاد دیگری بکنند همینطور در فرد فرد آنها که پنجاه تومان یا چهل تومان حقوق باید بآنها داده شود پس در اینصورت ممکن نیست مجلس موفق بشود که چنین کاری انجام بدهد و مجبور بودیم که بطور کلی این قانون را بنویسیم وراثی راهم که مجلس میدهد يك حکم کلی باشد بهتر است از این که مافرد فرد را در تحت نظر بیاوریم یا آن اشخاصیکه میفرمایند مستحق نبوده اند عرض میکنم که این اشخاص را فائز کرده ایم و بدقت هم رسیدگی شده است و هیچ حقوق شخصی در رایورت نخواهد بود که شخص باشد و مستحق این حقوق نباشد که کمیسیون دو باره رأی داده باشد و یا اینکه کسی مستحق حقوق باشد و کمیسیون در آن باب کم و زیاد کرده باشد و اگر میفرمایند که باید در اینخصوص مذاکره بشود بنده عرض میکنم که برای همین طبع و توزیع شده است که هر يك از نمایندگان که در این خصوص اطلاع دارند و یا



نظریاتی دارند پیشنهاد نمایند و آن اشخاصی را هم که میفرمایند این قانون شامل آنها میشود استحقاق ندارد مسکن است یک پیشنهادی بکنند که صد تومان حقوق فلان قطع شود و آنرا اضافه با آن طوعات کنند و از اینکه مجلس در جزء جزء اینها مذاکره بکند در صورتیکه هیچوقت ممکن نبود که اینطور بشود و با اعتقاد بنده غیر از این که بنظر قانونی درباره آنها یک ترتیبی بهمین بطور قانونی قطع یا ابقاء کنیم هیچ نظری ممکن نبود واضح نیست که عرض کردم و این دلایل غیر از این صلاح نیست و دیگر اینکه گفتند نباید مذاکره بشود البته مضایقه نموده بود در اینکه مذاکره در آنها بشود و آوردن مجلس هم برای هدایت است که نمایندگان محضات خودشان را در فقرات آن نمایند و یک رأی کلی در این باب بدهند که تکلیف اینکار معلوم بشود.

**شاهزاده سلیمان میرزا** - بنده هم در کمیسیون بودجه بودم و وقتیکه آقای محمد هاشم میرزا صحبت کردند مخصوصاً مدتی وقت اعضا کمیسیون صرف این شد و اشخاص را دقت کردند با حضور سررشته دار کل معاون وزارت مالیه و نمایانم چطور شد که آن را بپورت قبل بعد از تغییر اعضا کمیسیون بودجه بکلی فرق کرد و آن را بپورت اولی بکلی منسوخ شد و یک راپورت جدیدی دوباره آوردند از این راپورت بنده خبر ندارم چون در کمیسیون بودجه نه بوده ام ولی در این راپورت وقتی که بدقت ملاحظه بفرمایید می بینید که اشخاصی در این ضمن نوشته شده است و در ذیل این (۲۴۰) تومان حقوق بگیرند که تصدیق خواهند کرد که ابدأ نباید این حقوق داده شود مثلاً در جزء این حقوق یکی حقوق قهرمان خان نیرالسلطان حاجی الدوله قدیم است (۳۶) تومان از قدیم مواجب داشته است که حالا همان سیصد و هشتاد تومان هست و هیچ فرق نکرده است و در جزء مقظوعات هم نیست برای اینکه از یکتومان الی دویست و چهل تومان برقرار است و او باید این ۳۶ تومان را بگیرد یکی دیگر هم در آن صفحه است حاج رضا قلیخان پیشکار کلان میرزا اتفاقاً دویست و چهل تومان حقوق دارد و مطابق این ماده باید آن دویست و چهل تومان را بگیرد این بچه قسم ممکن است در صورتیکه آنوقت در کمیسیون بطور دقت رسیدگی شده بود آقای مین الرایا حاجی میرزا رضا خان اشخاص را درست کاملاً می شناختند و تحقیقات می کردند و برای اشخاصیکه میخواستند حقوق آنها را قطع کنند اگر سررشته دار کل کاملاً مسبوق و مطیع نبود معرفت کاملاً تحقیق میکرد این بود که آن راپورت در کمال دقت نوشته شد و در آن راپورت کاملاً رعایت حال اشخاص ضعیف که واجب رعایتی بودند شده بود و حالا اشخاصی که آنوقت رئیس یا مستخدم کشیک خانه قدیم بودند و الا آن متفرق شده اند حالا بار بعضی اسامی آنها را بنده میبینم که در جزء مقظوعین نیست و دویست تومان و سیصد تومان حقوق میبرند بنده عرض میکنم آخر ما باید از آن محلها بگیریم از حق این بدبخت ها که با هم معاهدات رفته اند چنگ کرده اند و در جزء مقظوعین کشته شده اند و حالیه هم میروند

در حق آنها بر قرار کنیم فرض کنیم که از قهرمان خان قطع نکنیم یا از حاجی الدوله قطع نکنیم پس از که قطع کنیم و حال آنکه مجبور هم هستیم که باین اشخاصی که مجاهدین هستند پول بهمین و حقوق بر قرار کنیم و مجبور هستیم بآن بیچاره که رفته است در راه مشروطیت و در راه آزادی کشته شده است یا ورته اش را بهمین و اگر از این محلها ندهیم از کجا بهمین مالیه ملک ما که کفایت نمی کند از آن طرف یک حقوقی هم که بآنها باید بدهند آن وقت باید یکبار دیگری بر این حقوقات بیفزاید محلی که ما از برای این حقوقاتی که تاحال داده ایم و بعد ما هم باید بهمین باشخاصی که در راه آزادی در راه مشروطیت چه کشته شده اند چه باقی مانده اند که نداریم محض اینها است پس مسلماً باید از این اشخاص قطع کنیم و بآن ها بهمین و دیگر اینکه بنظر بنده نمی شود که در یک ماده کلی اینها را آورد که از یک تومان تا دویست و چهل تومان در صورتیکه قهرمان خان نیرالسلطان که ۳۶ تومان است باید بهمین بفرماید ممکن است هر کس بخواهد پیشنهاد کند بنده صد تومان اگر پیشنهاد نمایم باز باید ۳۶ تومان قهرمان خان را بدهند در صورتیکه هیچ نباید داد و واجب است که یکدینار هم بار داده نشود حتماً این را میدانم پس باید از این موادی که اینجا نوشته شده است صرف نظر کنیم همانطور که در سه ماضیه در دوره ماضیه بودجه را درست کردند و گذرانند همانطور باید رأی بدهید و بگذرانید همانطوریکه آن کمیسیون وقت های خودش را صرف نکرد و اشخاصی که لازم میدانست حساب کرد تا بنظر و کلا رسید تا آن کلاه باغتمادیکه بآن کمیسیون داشتند رأی دادند ممکن است که آن راپورت را در تحت مواد بیاورند و و کلاه هم با کمال دقت رأی بدهند و آن حقوقی هم که با دقت ابقاء شده است رأی بدهند بنده نمیدانم این قانون را با چه قانون میتوان تطبیق کرد عرض کردم که این اشخاص را بنده پیدا کردم برای شما و اعضای کشیک خانه را کمتر میشناسم این دواسم را اتفاقاً پیدا کردم آنها که مطلع هستند خیلی پیدا خواهند کرد و باید اینها را کم کرده و بلاوه اشخاصی که میدانم مخالف این اساس بوده اند باید حقوقشان را قطع کنیم و بهمین غیر از این نمیتوانیم یک قاعده کلی اخذ کنیم و همان طور که عرض کردم قهرمان خان و حاج رضا قلیخان قهرآ جز او است پس بمقیده بنده آن راپورت اولیه را اگر نمایندگان تصویب نمیکند طبع بکنند نظریات در آن بشود یک چیزی است که هر قدر در او دقت بشود جا دارد زیرا که این عمل مالیه است تحقیقات کامل باید بشود و آن هم یکصد و پنجاه تومان است و موقع دارد و یک قسری از آن اشخاصی که باید قطع کرد و یک محلی برای اشخاصیکه باید حقوق بآنها بهمین پیدا کرده باشیم.

**حاج عزالممالک مخبر** - حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا اتفاقاً که اسم را پیدا کردند که بتوانند اظهارات خودشان را بفرمایند لکن جزو اخیر این ماده را اگر ملاحظه میکردند این اظهارات را نمیفرمودند جزء اخیر میگردد حقوق

اشخاصیکه بکلی مقطوع شده است از این قاعده مستثنی است هیچ این حکم نمیکند بآن پیشنهاد بنده که همان ۱۶ هزار تومان را که کمیسیون عقیده داشته است باید حتماً همان باشد البته ممکن بود حضرت والا این دو اسم را یا پنج اسم دیگر را پیشنهاد کنند جز مقظوعات باشد پس لازم میشود این دو اسم را اینطور پیدا بکنند و مصدر قرار بدهند و این فرمایش را بکنند همین طوری که حضرت والا این دواسم را تصدق خودشان قرار دادند ممکن است بنده هم استاد تقی یا ورته استاد ابوالقاسم یا ورته میرزا محمد یک یا استاد حسن پنج تومان استاد حسین چهار تومان را بجز اینها بخواهند اینطور بجز یک چیزی است که مجلس نمیتواند رأی بدهد پس نمیشود این را مثل زد اینکه میفرمایند باید از اشخاصی که بر خلاف این اساس بوده اند باید قطع کرده و یکسبکه امروزی برای ملک و مشروطه خدمت کرده است داد صحیح است این عقیده را بنده و کمیسیون خیلی صحیح میدانم نه در باره این حقوق بلکه در باره کلیه حقوقاتی که برده میشود که کلیتاً نیم کرور است رسیدگی شود و اشخاصی که بر خلاف آزادی در این ملک اقدام کرده اند تمام حقوق آنها قطع شود و این یک عایدی کلی برای منکست خواهد بود و سهل هم هست ولی مقیده کمیسیون بر این است که تا این مسئله در تحت یک قاعده کلی نباشد و یک ترتیب منجلی اتخاذ نشود این مسئله زودتر از مجلس نمیکند منتهی این است که آقایان نظرات خودشان را میکنند آنوقت اگر نظراتی دارند پیشنهاد میکنند اشخاصیکه باید مقطوع شوند ضمیمه مقظوعات میکنند و تمام میشود.

**ارباب کمیخسرو** - بنده اولاً اینجا میخواستم سؤال کنم اینکه از بودجه دربار برگشت کرده است از مقام نیابت سلطنت گذشته است یا اینکه مثل آن بودجه دربار که مدتی زحمت کشیده شد و دوباره مسترد شد و مسترد خواهند کرد بنده خیلی لازم میدانم که وزیر مالیه یا معاون ایشان حاضر بوده و این مسئله با حضور ایشان بگذرد و جواب شوالا ترا بدهند ما خیلی کارهای بزرگ را میگذرانیم در صورتیکه وزراء خبر ندارند در صورتیکه حضور وزراء خیلی لازم است و بکس غفلت میشود شاید بعد از گذشتن تولید اشکالات بشود اینستکه تقاضا میکنم که مذاکره در این لایحه را موکول بجلسه بعد بکنید که وزیر مالیه و معاون وزارت مالیه حضور داشته باشد.

**رئیس** - وزراء اگر بایندت تصیر ما نیست بواسطه اینکه دستور مجلس را همیشه دو روز قبل بوزراء اعلان میکنیم و هر کدام میدانند چه مطلبی در مجلس مطرح است البته هر وزیریکه آن مطلب را جمع باو است باید حاضر شود - حالا که تقاضا میکنید رأی میگیریم - تقاضا میکنید بماند برای جلسه بعد؟

**ارباب کمیخسرو** - بله برای جلسه بعد که وزراء هم حاضر شوند.

**رئیس** - خوب رأی میگیریم که بماند اینلایحه برای جلسه بعد که وزراء هم حاضر شوند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اگر قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد پیشنهادی است از طرف جمعی از آقایان خوانده میشود ( تقاضای مذکور بمبارت ذیل قرائت شد ) .

نظر باینکه زمانی چند پیش از این دوره تقنینیه باقی نمانده و موافق نظامنامه داخلی شعبات و جمیع کمیسیونها باید تجدید شود و همچنین هیئت رئیسه و اداره مباشرت و اگر این قبیل مدت هم صرف تجدید انتخابات شود قوانین مهمه باقی میماند این بنده پیشنهاد میکنم که یک رأی کلی برای بقای همین شعب و هیئت رئیسه و اداره مباشرت و کمیسیونهای مالیه گرفته شود اگر مجلس تصویب نماید دیگر تجدید انتخاب نشود.

**رئیس** - مخالفی هست؟

**شاهزاده ملک** - بنده با یک کلمه مخالفم که نوشته شده است چندروز بآخر مدت تقنینیه باقی مانده است چندروز باقی نمانده است و مدتی بآخر دوره تقنینیه مانده است.

**رئیس** - چندروز نوشته نشده است نوشته است زمانی چند - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - یک ماده هم مخبر کمیسیون داده اند این را هم بهمین طبع کنند برای روز سه شنبه دستور سه شنبه سه و نیم شروع مانده راپورت کمیسیون بودجه راجع به ۱۵۲۰۰۰ تومان حقوق برگشتن دربار - راپورت کمیسیون بودجه راجع بپستون قانون انتخابات را هم از مخبر پرسیدم معلوم میشود برای روز سه شنبه حاضر نمیشود شش ماده است رجوع شده است حوزه بند هم هست حالا اگر حاضر شد آن مقدم است اگر نشد دستور همین است از آقایان خواهش میشود که هر چه اصلاح راجع باینست که الا ان شورش ختم شد در اندر بفرستند که آنهم ارجاع بکمیسیون کنیم.

**میرزا یونس** - چند دقیقه در اینجا اظهار شده قانون راجع بچشم سازی حاضر شده و تقاضا شده است جزء دستور گذاشته شود حالا بنده تقاضا میکنم که جزء دستور جلسه آتی گذاشته شود.

**رئیس** - چرم سازی را هم که است برای دستور روز پنجشنبه قرار بدهیم.

**افتخار الواعظین** - اگر برای سه شنبه قانون انتخابات حاضر نشود مانی نمی بینم که آن قانون چرم سازی هم جزء دستور شود.

**رئیس** - جزء دستور پنجشنبه قرار دادیم.

( آقای رئیس حرکت کردند مجلس نسیاست از شب گذشته ختم شد )

**جلسه ۳۰۴**

**صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۲۶**

آقای رئیس سلساعت ونیم قبل از غروب بصندلی ریاست جلوس و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید.

آقای میرزا رضا خان صورت مجلس قبل را قرائت نمودند.

غائبین بدون اجازه - دکتر اسمعیل خان - میرزا علی اکبرخان دهخدا - ادیب التجار غائبین با اجازه

دکتر امیر خان - شبانی - دکتر علیخان - حاج میرزا رضا خان -

آقایانیکه از وقت مقرره تأخیر نموده اند میرزا یونس دواست و ده دقیقه معطل الدوله یکساعت و ۲۰ دقیقه - میرزا ابراهیم قمی ۵۰ دقیقه - نیرالسلطان یکساعت و ۲۰ دقیقه .

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظه نیست؟ ( اظهاری نشد )

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع به هشتاد و نه هزار تومان و کسری حقوق اشخاصی که از بودجه دربار موضوع شده راپورتی که سابقاً داده شده بود چون ماده بندی او بطور صحیح نشده بود راپورت جدیدی که ساده بندی شده طبع و توزیع شد قرائت میشود.

( راپورت بمبارت ذیل قرائت شد ) بتاريخ ۱۶ شوال المکرم ۱۳۲۹ راپورت کمیسیون بودجه مطابق مواد ذیل به مجلس شورای ملی تقدیم می شود :

ماده ۱- مبلغ هشتاد و نه هزار و هشتصد و چهل و هفت تومان بیکقران و مقدار دوهزار و هفتصد و هشتاد و هشت خروار و بیست من غله و یک هزار و نهصد و پنجاه من حقوق اشخاصی که جزء دربار سلطنتی منظور بوده و حالیه وزارت دربار از جزء بودجه خود خارج نموده است مبلغ شانزده هزار و دویست و چهل و پنج تومان و چهار هزار نقد و معمدار شصت و بیست و پنج خروار و شصت و سه من غله و سیصد و شصت خروار و شصت و پنج من کاه بوجه دوفرد طبع شده و ضمیمه آن شامل ۴۹ قلم کلیه مقطوع و بقیه بوجه مواد همه قسمتی مقطوع و قسمتی برقرار میشود.

ماده ۲- حقوق از یکتومان الی دویست و چهل تومان ابقاء میشود.

ماده ۳- حقوق از دویست و چهل تومان الی شصت و هفت تومان بهماز کسر ثلث ابقاء میشود کسر ثلث باید طوری مراعات بشود که از دویست و چهل تومان نقصان حاصل نکند .

ماده ۴- حقوق متجاوز از شصت تومان بالاتراز شصت تومان قطع و بقیه بهما از وضع ثلث بر قرار میشود .

ماده ۵- اشخاصی که نقد و جنس دارند نقد آن مطابق ماده ۳ و ۲ و ۴ برقرار و جنس آن مقطوع است ماده ۶ اشخاصی که جنس فقط دارند کاه آن مقطوع و غله از قرار سه تومان تسعیر و موافق ماده ۳ و ۲ و ۴ تقدماً درباره آن برقرار میشود .

ماده ۷- متوفیات این حقوقات مطابق قانون متوفیات باید مجری و معمول شود .

ماده ۸ - حقوق اشخاصیکه در ماده ۱ مقطوع شده از این قانون مستثنی است.

**رئیس** - مذاکرات در کلیات هنوز تمام نشده است آقای میرزا داود خان -

**میرزا داودخان** - دو راپورت در کمیسیون بودجه آمد یعنی یک راپورت از کمیسیون بودجه پیشنهاد شده بود که یک ماده او مقطوعی است که عبارت است از ۱۶ هزار و ۲۴۵ تومان و ۴ هزار نقد و مقدار ۶۲۵ خروار و ۶۳ من غله و ۳۶۰ خروار و ۶۵ من کاه که قطع کرده و باید کمال تشکر را از کمیسیون داشت و یک ماده دیگر

بر قراری است که معین فرموده اند از یک تومان الی ۲۴۰ تومان و از ۲۴۰ تومان الی ۶۰۰ تومان و از ۶۰۰ تومان بیلا را قطع کرده اند و خیلی مرحمت فرموده اند عقیده بنده اینست که این راپورت در مجلس مطرح نشود و بطوریکه گفته شد راپورتیکه ۶ ماه قبل مدتی در کمیسیون زحمت کشیدند و بدقت باین اشخاص رسیدگی کردند او باید در مجلس مطرح مذاکره شود بجهت این که این راپورت که مجلس آمده است اساسی شده که میشود رأی داد اشخاص را بنده میبینم که ابدأ مجلس سزاوار نیست رأی بدهد در حق آنها حقوق برقرار شود مثلاً محمد حسین خان خوراکیز رحیم خان خوراکیز یا استاد یحیی طباطبائی استاد یوسف طباطبائی از این قبیل بسیار است خیلی خوب آشنی با طباطبائی سلطنتی بوده ولی امروز شغلشان معلوم است و میتوانند توی بازار یکدکان باز کنند و کاسبی کنند و گذران خودشان را پیدا نمایند اگر بنا شود که مجلس بخوراکیز یا آشنی حقوق بدهد بنده بتمام آشنی های این شهر حق میدهم که بیاید حقوق بگیرند همینطور ابوالحسن بیگ خاصه تراش از این قبیل فراوان است که میتوانند بروند کاسبی نمایند از آن جمله است مشهدی ولی محمد خیاط میرزا ابراهیم خان خیاط باشی که سابقاً هم کویل مجلس بوده است من از طرف او قسم میخورم که هیچوقت حاضر نیست مواجب بگیرد بجهت این که الان درب ارک دکان دارد و ده نفر شاگرد دارد و یقیناً هم مواجب نمیخواهد همین طور حسن خان قاپوچی علت این که چهار صد تومان یا ۴۲۰ تومان باید داد مواجب داد چیست اگر هم باید باو مواجب داد مواجب بیست تومان کافی است دیگر چهار صد بیست تومان برای چه از همه اینها مضحک تر بمقیده بنده این است مجلس رأی بدهد که بسمله طرب مواجب بدهند محمدخان عمله طرب چهل تومان یک چیز خیلی فریبی است از آنها بگیریم میرسیم باشخاصی که باستبداد خدمت کرده اند که پر پرور آقایان سلیمان میرزا یکی دوفرد از آن اشخاص را فرمودند مثلاً از آن قبیل سدیدالملک است سدیدالملک چرا باید مواجب بگیرد این عبارت اگر قوه ناطقه داشت و میتواند حرف بزند بیان میکرد که سدیدالملک در بیمارستان مجلس چطور شرکت داشته ششم معروف که توگرو بردی اگر جفت اگر طاق آید اگر استبداد شد که کسی بمن کار ندارد و هر کاری دلم خواست میکنم و خودم راهم مقصر نمیدانم اگر هم مشروطه شد که مواجب بگیرد چون جزء دویست و چهل تومان را در نظر بگیرد چون جزء دویست و چهل تومان حقوق داشته باید ابقاء شود چیز دیگر که بنده توضیح آنرا از تمام ۱۸ نفر اعضا کمیسیون بودجه میخواهم اینست که در فرد بیست و هفتم دفعه اول قلم یازدهم نوشته شده است لطفعلی خان اسد - السلطنه دویست و بیست تومان بازا - دیگر که مال اشخاص است که از دویست و چهل تومان بیلا دارند فرد سی و یکم قلم پنجم نوشته است لطفعلی خان اسد السلطنه یانصد و دو تومان و پنج هزار از این قید شود میشود هفتصد و بیست و دو تومان و پنج هزار پس وقتی که مجلس باین راپورت رأی داد هر دو







است که يك چیزیکه در اینجا باید بعمل بیاید و نیامده است و از مختصات وزارت مالیه است وزارت مالیه باید قبلاً تمام نظرات خودش را در این مطلب بنماید شخص وزیر را ننگیوم که بفرماید حالا میآید اینجا معاونش را هم ننگیوم که بفرماید میآید وزارت مالیه را ننگیوم یعنی آن هیئت که مجتمعاً شصدهزار تومان پول میگیرند برای نظر باینکارها آن هیئت را ننگیوم وزارت مالیه باید معلومات خودش را تا آنجائی که قانون حق باو داده است بکنند و الا همه وقت کمیسیون بودجه کار خودش را میکرد اگر غیر از این بود بنده گمان نمیکنم که غیر از اینهم باشد و این مسئله اگر تا بحال عمل نشده خوب است از این ببعد عمل بشود که پس از اینکه وزارت مالیه تحقیقات خودش را کاملاً میکرد بدون ملاحظه و مضایقه آنوقت تصویب و کلاً لازم بود و رأی آنها در اینجا البته قانونی است و باید باشد و اگر این مسئله عمل میشد خیلی اشکالات رفع میشد خواهی فرمود شما گفتید موافق معلوم میشود مخالفه خیر اینطور نیست این بعضی مطالبی بود که لازم بود عرض شود و یکی اینکه فرمودند جزء بودجه سلطنتی بوده خیر این چیزی است که مشکوک مانده است از آنوقت تا بحال یکی دیگر آنکه خواستم نظر مجلس سابق را عرض کنم حالا میرویم سراغ بنده موافق بنده عمل از اینکه آن دوره عمل حقوق و قطع او را گذرانید اعتراضی که بنا کردند و چندان هم بی حق نبود این بود گفتند که بهتر این بود که يك ترتیبی اتخاذ میکردید آن اشخاصی که هیچ نیاید ببرند يك ماده قانونی مینوشیدید که اینها بصلاحاتی حقوقشان قطع است و مابقی را میگفتید نسبت ببلغ ببرند و نمانی بکفران و دوران بگیرند این اعتراضات را خیلی با کردند و چندان هم نمیشد بگوئیم ناهق است برای اینکه اگر میخواستیم حقانیت را عمل کرده باشیم باید که تمام این پول بمصرفی برسد که در هیچ حرف نباشد و همه آقایان میدانند جهات عدیده هست که بنده نباید بگویم حالا آمده ایم آن ترتیب را اتخاذ کرده ایم که نظر شخصی یکقدری توی آن نباشد و گمان نکنند که اعمال غرض شده است و اما آن اشخاصی که نباید ببرند اینک از مسلمات اولیه است ولی نباید داخل یکی یکی شد فقط باید يك ماده پیشنهاد کرد که آن اشخاصی که این صفت را دارند بکلی از حقوق و وظایف مستثنی است از دولت میگرفتند محروم هستند تا چه وقت باشد که از حقوق ملکیتی هم محروم باشند و حالا نمیشود باینکه ما بخواهیم اسامی آنها را در مجلس خودمان یکی یکی بگوئیم و پیشنهاد بکنیم در صورتیکه این وظایف وزارت مالیه است اگر کسی دید که وزارت مالیه عمل نکرده است بآن ترتیبی که لازم بود آنوقت موقع سؤال و استیضاح است اما برای هر يك از اینها بخواهیم مذاکرات بکنیم گمان میکنم که از وظایف مجلس خارج است اگر از اول وزارت مالیه اینکار را نکرده است حالا باید بدانند که کار خودش را بکند .

**محمد هاشم میرزا** - آقایانیکه موافق بودند چند نظر داشتند گفتند که بنده باید بنظر بیاورم زرد کنی از آقایان نظرشان این بود

که آن راپرت اولی کمیسیون هم موافق با واقع نیست و ممکن است اشکالات بآنهم وارد گردیده هم تصدیق میکنم و میگویم آنهم طوری نوشته نشده است که اشکال نداشته باشد ولی باید بخاطر آورد که اگر بنا شد ما يك امری را نتوانستیم بواقض برسیم اقلاً با قرب مجازش باید برسیم که بگوئیم اگر بواقع امر نرسیدیم قریب با واقع شدیم که اگر راه علم بر ما مسدود بود اقلاً بظن قوی نتوانستیم باو عمل بکنیم نه اینکه بکلی سرفنظر کنیم البته هر چه رسیدگی بشود بهتر است و در کمیسیون بودجه آنها را کاملاً رسیدگی کردیم و هیچ وجهی نماند که نمایندگان آنها بودند و يك کمیسیونی بود که مرکب از احزاب بود از قبیل حاج میرزا رضا خان و شاهزاده سلیمان میرزا و منتصر السلطان و حاج سید ابراهیم و آقا میرزا یانس از تمام وکلای نقاط بود و از احزاب هم بودند که با اعتماد مجلس نسبت با آنها جای تردید نبود و تصور میکردیم که این مسئله بیک مجلس خواهد گذشت و حالا آن آقایان هم که تصور میکنند که آنهم اشکال دارد بنده عرض میکنم که در واقع اشکال این خیلی آسان است آن راپرتی که در کمیسیون بودجه بدقت رسیدگی شده بفرماید طبع و توزیع شود و بدست آقایان داده شود از قبیل اعتدالی و دمکرات که در مجمع خودشان بنشینند و مذاکره کنند و يك رای قطعی پیدا کنند شاید در دو روز یا سه روز این مسئله بگذرد و بعد بیائیم در مجلس يك ساعت دو ساعت بتوانیم رأی بدیم و بگذرد اما اگر بنا باشد اشخاصی که اینقدر دقیق هستند بگویند شاید پنج روز شش نفر باقی باشند که بی مصرف و یا صحیح است او که باز اقلاً مصادیقی معلوم است فقط حکم بر موهوم است و ممکنست که بنده نفر و صد نفر صحیح باشد و تمام اینها که هست صحیح نباشد بجهت اینکه او تخمین تر است و يك چیزی را تخمین می کنند که مناسب باشد مثل گنجشک و کبوتر که از گنجشک بزرگتر و از کبوتر کوچکتر ولی بگوئیم از قبیل کوچکتر و از بزرگتر که اینقدر فاصله بیشتر باشد همان راپرتی که نسبتاً دقت شده است همان را بخواهند و بدین طبع و توزیع کنند بهینست که کدام از اینها اقرب بواقع است الحمد لله همه محاسبند و همه مطمئن میتوانند که در خارج رسیدگی کنند و بدانند که آن اقرب بواقع است آنرا رأی بدهند اگر گمان عرق بواقع است این راپرتی بدیندول بنده افسوس میخواهم از زحمتهای ماهه که کشیده شده است در کمیسیون که آن دقت و نظرانی که کرده اند يك تناسبی داشته است و اینکه حاج و کین الرعايا فرمودند که باید وزارت مالیه در این نظر کند در آن وقت که مرحوم صنیع الدوله وزیر مالیه بود این را با وزیر دربار مذاکره نموده بود و شرحی نوشته است که در کمیسیون مذاکره شده است و معاونش هم از طرف او بوده است نه اینکه گمان کنند که کمیسیون بودجه بدون اطلاع وزیر مالیه این را پیشنهاد کرده باشد در تمام این مذاکرات با معاون مالیه در کمیسیون حاضر بوده و با سر رشته دار کل بوده است و هم در زمان حکیم الملک که از طرف ایشان هم کمال دقت شده است بعضی مواد هم که محتاج به توضیح بوده است بواسطه تحقیقات بنانه برای جلسه آتی که معین شود این طریقی که

بوده است کی است مصداقش هست یا مفهوم حرف است بجهت این را موجب داده اند یا اینکه بکلی با واقع از کلیات گمان آورده اند موجب داده اند یا طبعاً ناصرالدین شاه ۱ مظفرالدین شاه بوده است و چون حقوق اداری آن وقت ترتیب دیگر بوده است نه این بوده که مثل حالیه ماهی پنجاه تومان مثلا به يك مستخدم اداری بدهند صد تومان در سال يك آبادی میدادند و يك صیرا خوری در سال بانصد تومان موجب داشت و همین حقوق اداری او بوده است آن وقت سالیانه میگرفتند چه خاصه تراش و چه طباخ و غیره عرض اینکه ماهی هشت تومان بگیرد مثلا سالی هشتاد تومان میگرفت چنانچه آقا میرزا داود خان بعضی آن ها را فرمودند دیگر من لازم نمی دانم که تکرار شود و تصور میکنم اگر آقایان با این مفهوم کلی رأی بدهند بعد پشیمان شوند و معلوم شود برای اشخاصی بوده که هیچکس نمیتواند برای او تصویب مواعبی بکنند و از يك مردمی باین ترتیب بگیرند و بپردازند دیگر بدهند و اینهم که گفته میشود که از وظایف مجلس نیست مذاکره شود برای چه وظایف مجلس نیست بنده عرض میکنم که اگر بیست سی جلسه هم برای این مسئله مذاکره کنند بجا است مثلا برای فروش فلان پستخانه یا سیم تکرار چند روز یا یکروز مجلس معطل می شود برای ده تومان دادن بیک نفر يك چاه مذاکره میکنند یا تکلیف میماند دوباره بمجلس میآید و دوسه جلسه مذاکره میکنند هیچوقت خسته نمیشود در اینجا کلاً لازم است افکار خود را بدقت بکار ببرند و باین بی پولی که هست هزار تومان تفاوت این است اینجا خسته میشوند و میخواهند زود رأی گرفته شود بنده پیشنهادی کرده ام و تقاضا نموده ام که آن راپورت اول کمیسیون بودجه را هم طبع و توزیع کنند آقایان بهینست که باز این را تصدیق کردند بنده عرضی ندارم ولی بدون اینکه هر دو را مقابل هم نهینند بنده استدعا میکنم که رأی ندهند .

**حاج عز الممالک (مخبر)** - اینجا مکرر گفته میشود که راپورت سابق که چون نظر آقایان رسیده است مثل این است که او افاضاً سابق بکسی رسیده کامل نسبت باین اشخاص شده است و از روی استحقاق يك حقوقی برای این اشخاص معین کرده اند یا بعضی را صحیحاً رد کرده اند از کمیسیون سابق چون راپورتی داده نشده است و کمیسیون هم بملاحظه اینکه شاید اسباب اشکال شود رأی نداد که ما همچو راپورتی بدیم باینجهت اسباب اشکال شده است بنده میتوانم يك متهم ثابت کنم که آن کمیسیون هم بملاحظه صحیحی نکرده است و همان کسی را که شاهزاده سلیمان میرزا شاهد حال خودشان قرار دادند بنده هم خودم از اشخاصی هستم که عقیده ام اینست که باید حقوق اوقف شد و مجازات بهینست قهرمان خان حاج الدوله است در صورت سابق می بینم رأی داده اند که تمام حقوق او ابقا شود در صورتیکه بک چنین رأی داده شده است نمیتوان گفت که نظرات کمیسیون سابق تمام صحیح بوده است که در آنصورت کرده بنده مخصوصاً دفاع میکنم و میگویم که نظرات آنها صحیح نبوده است و اینکه میگویند ما این اشخاص را نشانخته رأی داده ایم ما قطع کردیم که اگر اینطور نباشد در تحت يك قاعده حکمی

نباید يك ترتیبی نخواهد داشت حالاهم عرض میکنم که مجلس نمیتواند مشخصد و باز زده نفر اشخاص هر کدام را فرد بنشینند و رأی بدهند زیرا اگر نمایندگان در هر يك از این اشخاص هر کدام يك نظری داشته باشند و با يك پیشنهاد بکنند چه خواهد شد باین دوره تقنینی که نخواهد رسید وزارت مالیه را که دلیل میآورند کمیسیون با حضور همان مساون و سر رشته دار کل مذاکرات زیاد کرده و پس از مذاکرات زیاد نظریات آنها با نظریات کمیسیون موافق بود و کمیسیون همچو صلاح دانست که تمام این اشخاص در تحت يك قانون کلی بیایند و گمان میکنم که کسی هم مخالف نباشد که این در تحت يك قانون کلی بیاید منتهی استثناء و آن نسبت با اشخاص بود که باید حقوق آنها قطع شود چند نفر هستند که بآنها شاید حقوق داد این را هم کمیسیون نظر کرده و يك چیز تازه نیست که آقایان گفته باشند بنده هم میگویم که نباید داد بنده هم پیشنهاد میکنم آنها هم پیشنهاد بکنند و رأی بدهند که نسبت بعضی اشخاص مقطوع بکنند این دلیل نیست که سایر حقوق ملتا در تحت يك قانون کلی قرار ندهیم البته این استثناء را دارد آن استثناء را چه میشود بان ماده استثنائی که هست کمیسیون ۱۶ هزار تومان ۳۱ هزار تومان کرد پس این هیچ اشکالی ندارد و گمان می کنم ابراری نداشته باشد اما يك مسئله که آقای آقا میرزا داود خان سؤال کردند و خواهش کردند که مخبر جواب بدهد عرض میکنم که اغلب آن کسانی را که اسم بردند جزو مقطوعین هستند و اینکه نسبت بحقوق اداری صحبت میشود که اغلب این حقوق اداری است بنده عرض میکنم که این حقوق اداری نبوده است کلیه شش کرور باسم حقوق باسماي مختلفه از دولت گرفته میشود مثلا فلان سید فلان سرحد پنج تومان میگرفت یا دیگری بود جزو دربار بود یا جزو وزارت خانه بود (وزارتخانه نمیشود که بدهد همه اینها دست شاه بود هر چه میخواست بهر کس میداد) منتهی کمیسیون مالیه نسبت باین اشخاص نظر کرده و جزء يك کرور هر قدر که سابق میدادند جزء بودجه دربار سلطنتی او را مجزا از خودش کرد یا کمیسیون مجبور بود که این موارد را پیشنهاد کند و با تقاضا بنده اینست که اگر حالا رأی ندهند نه اینکه باین چیزی که کمیسیون رأی داده است رأی بدهند بلکه می توانند همه قسم پیشنهاد بکنند (ولی اگر این مسئله را قطع نکنیم و يك ترتیبی برای این حقوق ندهیم گمان میکنم غیر از اینکه بکلیت حمت کلی برای وزارت مالیه است علاوه بکلیت حمت کلی باین جهت برای این که دوره تقنینی نزدیک است باخر برسد و ممکن است مابین این مجلس و آن مجلس تنها بواسطه عرایش زیادی که بوزراء میدهند اجازه داده شود که این حقوق بآنها داده شود و اگر اجازه داده شود یکساله آن هشتاد هزار تومان است مثل اینکه در زمان وزارت مالیه مرحوم صنیع الدوله اجازه دادند و گرفتند آن وقت تا شما بیایید که سؤال و استیضاح کنید بکضرر کلی بمالیه ملک وارد میآید بقیه بنده حق این بود که امروز داخل بشوند در مواد و رأی بدهند پهراندازه ای که نظر دارند

**رئیس** - حالا مذاکرات را در کلیات کافی

میدانید (گفتند کافی است) يك فقره پیشنهادی هم از طرف آقای محمد هاشم میرزا شده است و اگر اجازه میدهد که داخل در مواد شویم ولی در آن تقاضا بدو باید برای میگیریم یعنی اول در پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا رأی میگیریم و بعد داخل شدن در مواد بهتر است والا مقصود معلوم نمیشود برای این که ممکن است بعضی عقیده شان این باشد که ترتیب دیگری پیشنهاد شود و آنها هم رد خواهند کرد پس اگر اول در پیشنهاد محمد هاشم میرزا رأی بگیریم بعد برای داخل شدن در مواد بهتر است

**آقای میرزا رضی قلیخان** - این ترتیب که فرمودید تصور میکنم که حاجت برای گرفتن نباشد بجهت این که یا باید این راپرت محل توجه و نظر شود یا ترتیب سابق در هر صورت زای بگیرد که داخل در مواد شویم اگر مجلس رد کرد که معلوم است پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا هم تصویب شده است و اگر هم رد نشود آن رد شده دیگر شش نالتی ندارد .

**رئیس** - بنده در این باب اصراری ندارم و لکن فرض بفرماید که رأی گرفته شد که داخل در مواد بشویم و اخیر و رأی منفی شد آنوقت مقصود معلوم نمیشود بواسطه اینکه بعضی ناممکن است صلاح ندانند که چنین لایحه بمجلس بسایند و

بترتیب دیگر بیاید آنها هم رد خواهند کرد آنوقت مقصود معلوم نخواهد شد (پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا که با مضای سی نفر از نمایندگان رسیده بود بعبارت ذیل قرائت شد) در خصوص هشتاد و نه هزار تومان حقوق درباری بنده پیشنهاد می کنم بهمان ترتیبی که در کمیسیون بودجه بجز رسیده گی شده است در مجلس مقدس مطرح شود .

**رئیس** - رأی می گیریم باین تقاضا آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (رأی مشکوک شد) .

**رئیس** - دوباره رأی می گیریم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (جمعی قیام نمودند)

**رئیس** - ۲۲ نفر است از ۲۳ نفر تصویب شد رأی میگیریم که داخل در مواد شویم یا نه ؟

**متمین السلطنه** - این يك مطلبی است که راجع به بودجه ملکیتی است و وزراء هم باید در نظر بنمایند لازم است که وزیر مالیه حاضر باشد و داخل در مذاکرات بشویم در اینجا مکرر میکنند که وزیر مالیه یا معاون وزارت مالیه در کمیسیون بودجه حاضر شده و در مذاکرات شرکت داشته است من این را کافی نمیدانم وزارت مالیه باید در این باب نظرات خودش را کلیه کتباً بمجلس پیشنهاد کند آن وقت مجلس بییند که میتواند که داخل در آن بشود یا نه

قرضاً از يك تومان تا ۲۴۰ تومان را کمیسیون ابقا کرده است ولی معلوم نیست که وزارت مالیه هم تصویب کرده است که این مبلغ یا زیاد تر یا کمتر باشد ولی اگر مجدداً بوزارت مالیه اعلام شود که نظرات خودش را کتباً پیشنهاد بکنند آن وقت هر رأی که داده باشیم از وظایف خودمان خارج نشده ایم .

**حاج عز الممالک** - رقمه وزارت مالیه در کمیسیون قرائت شد و اگر آقایان صلاح بدانند حالا هم قرائت شود وزارت مالیه هم عقیده خودش

اظهار کرده است که حقوق این اشخاص داده شود ولی راجع باین قانون معاونان تشریف داشته اند و باطلاع و صلاح ایشان اینطور تصویب شده است ممکنست رقمه وزارت مالیه اگر اینجا است قرائت شود (بعضیون ذیل قرائت شد)

مجلس شورای ملی در خصوص ۱۰۲ هزار تومان حقوق دیوانی اعضای دربار سابق که مدتی است صورتش را از وزارت مالیه بمجلس شورای ملی تقدیم گردیده و در کمیسیون بودجه هم حقوق مزبور که جرح و تعدیل شده تا کنون صورت مزبور را بوزارت مالیه معاودت نداده و رسماً راجع بحقوق درباری بوزارت مالیه چیزی مرقوم نفرموده اند که تکلیف صاحبان آن معلوم شود چون صاحبان حقوق مدت دو سال است قبضی مواجب خود را ننگرفته ولی انعام مزاحم وزارت مالیه هستند و هر روزه بوزارت مالیه برای صدور قبض خود حاضر میشوند لهذا وزارت مالیه تمنا دارد که حقوق درباری را جزء دستور کرده که زودتر صورت مصوبه از مجلس بگذرد و بوزارت مالیه ارسال فرمایند که تکلیف وزارت مالیه و صاحبان حقوق از بابات صدور قبض دوساله آنها معین شود و رفع مزاحمت و رارت مالیه از این باب بشود باینست توجه مخصوص را در این مورد مبذول فرموده و تکلیف حقوق درباری را زودتر معلوم خواهند فرمود .

**حاج سید ابراهیم** - اینطور خیلی خوب است ولی میدانم در کمیسیون بودجه در کلیاتش باز اختلاف میشود هیچ فرق نخواهد کرد اگر بر گردد بکمیسیون بودجه باین معنی که يك میزان کلی از آراء مجلس در دست داشته باشند که ملاز يك تومان تا صد تومان را ابقا میخواهند بکنند و بیشتر را ابقا نکنند در این باب ابتداء باید کلیاتش در مجلس معلوم شود آنوقت آن اشخاصی که بغیر استحقاق هستند قطع شود و مابقی را در تحت قاعده کلی بیاورند و الا اگر کلیاتش معلوم نشود با اسباب مزاحمت خواهد بود .

**رئیس** - در این باب گویا مذاکرات بیش از این لازم نباشد رأی میگیریم به پیشنهاد آقای معزز الملک

**حاج عز الممالک** - بنده این پیشنهاد را قبول دارم و تقاضا میکنم که بر گردد بکمیسیون ممکن است که نظر آقایان هم بمبظور باشد

**رئیس** - تقاضای مخبر بر میگردد به کمیسیون تقاضای متمین السلطنه را با وجود این رأی بگیریم یا خیر ؟

**متمین السلطنه** - خوبست مقرر فرمایید قرائت شود (بعبارت ذیل پیشنهاد آقای متمین السلطنه خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که این لایحه بوزارت مالیه ارجاع شده نظریات قطعی آنوزارتخانه را بخواهند .

**متمین السلطنه** - عرض میکنم پس از اینکه بکمیسیون ارجاع شد و دو مرتبه بمجلس آمد ممکن است همین ایرادات را بکنند حالا که مخبر قبول کرده بهتر اینست که در کمیسیون این لایحه در کمیسیون است از وزارت مالیه هم بخواهند که نظریات خودش را کتباً پیشنهاد کنند در صورتیکه این را قبول کنند لازم برای گرفتن نیست .

**رئیس** - پیشنهادی از طرف آقای معزز الملک



شده است خوانده میشود و رأی میگیریم (بضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که این لایحه تا نایب یکمسیون بودجه برگشته حقوق بعضی که حق ندارند قطع شده مابقی در تحت قاعده کلی بمجلس بیاید.

**معزز الملک** - در اینجا در اینکه قاعده کلی لازم است در باب حقوق و جرح تعدیل اینها هیچ حرفی نیست و الامجلس شورای ملی با اینوقت که باقی مانده است و قانون انتخابات در دستش هست نمیتواند وقت خود را صرف مقصد هشتصدم مذاکره بکند و از همین نقطه نظر پیشنهاد مجدداً هم میرا هم رد شد ولی از طرف دیگر با این ترتیبی که حالا هست از قراریکه بعضی از آقایان نمایندگان بعضی هابی ترتیب داخل شده اند و همین ملاحظه نباید این پیشنهاد باین ترتیب رأی گرفته شود بجهت اینکه آنوقت بنده مترسم که بیاید این هر دو رد یا اینکه بلا تکلیف بماند همانطور که گفتند در خارج یک اقدامی بکنند و یک ترتیبی برونند قسوس این حقوق را صادر کنند و این حقوق را بگیرند ولی اگر برگردد به کمیسیون و جرح و تعدیل صحیحی بعمل بیاید و تکلیف معلوم شود خیلی بهتر خواهد بود علی الخصوص که کمیسیون بودجه باز است که هر یک از نمایندگان که اطلاع داشته باشند میتوانند بروند اطلاعات خودشان را بگویند و اگر این لایحه برگردد بکمیسیون دوباره آن کسانی که حق ندارند از خزانه دولت حق ببرند حقوق آنها قطع شود و مابقی که استحقاق آن پول را دارند در تحت یک قاعده کلی بیاید و بمجلس راجع برده بدهند خیلی بهتر و آسانتر خواهد بود.

**رئیس** - ده دقیقه نفس است (بعد از نفس مجدداً جلسه تشکیل شد).

**رئیس الوزراء** - چون قشون ما در این مدت صاحب منصب صحیح نداشتند و تنظیم آن اهمیت دارد لهذا تقاضا کرده‌ام که بوجوب این لایحه بیست نفر صاحب منصب سوئدی از برای قشون استخدام شود و تقاضا میکنم که بفوریت بگذرد (لایحه مزبوره ببارت ذیل قرائت شد).

مقام محترم مجلس مقدس شورای ملی - با کمال افتخار لایحه قانونی جوف را که راجع با استخدام صاحب منصب و صاحب منصبان جزء برای تشکیلات جدید و قشون دولت علیه است پیشنهاد و بر حسب لزوم تقاضا مینماید که بفوریت از تصویب مجلس مقدس بگذرد برای استحضار خاطر نمایندگان محترم اظهار میدارد که در لایحه قانونی جوف فقط رعایت صرفه جوئی دولت را ننموده بلکه باین ترتیب تشکیل و تنظیم قشون ایران با عناصر و دلایلی که فعلاً وارد است صورت اجرا میباشد در لایحه که با کمال افتخار پیشنهاد و تقدیم مجلس مقدس میشود تأسیس مدارس نظامی نیز قید شده است و البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که تأسیس مدارس نظامی مهمترین و لازم ترین مسائلی است که در موقع تشکیلات قشون ایران رعایت شود بملاوه علت عمل ضعف قشون ایران تا بحال نداشتن صاحب منصب کل و جزء تربیت شده و تعلیم یافته بوده است برای اینکه تشکیلات جدید

قشون بوجه احسن انجام یابد و لوازم آن کاملاً رعایت شود بامشورت صاحب منصبان سوئدی لایحه قانونی جوف را پیشنهاد و تقدیم مجلس مقدس نموده ضمناً اظهار میدارد که لایحه مزبور فقط قسمتی از لایحه عمومی تشکیلات قشون است که عملاً قریب بشکل بودجه قشونی پیشنهاد مجلس مقدس خواهد شد در این لایحه استخدام چهارده نفر صاحب منصب صف و سه نفر صاحب منصب اداری و سه نفر صاحب منصب جزء پیشنهاد میشود وزیر جنگ بجهت تقییری (لایحه قانونی راجع با استخدام صاحب منصبان خارج برای تشکیلات قشون ایران مجلس شورای ملی قانون ذیل را تصویب و والا حضرت اقدس نایب السلطنه امر با اجرای آن میفرمایند.

**ماده ۱** - قشون دولت ایران در تحت تعلیم صاحب منصبان خارجه که از زوری انتخاب مجلس شورای ملی دولت ایران استخدام میشوند اداره خواهد شد صاحب منصبان مزبور مأمور هستند که تشکیلات قشون را موافق بهترین تعلیماتی که مطابق اصول جدید نظام باشد تربیت نمایند.

**ماده ۲** - عده صاحب منصبان که از دولت سوئد استخدام میشوند فعلاً و موقتاً بچارده نفر صاحب منصب صف و سه نفر صاحب منصب اداری منحصر و محدود می شود.

**ماده ۳** - سه نفر صاحب منصب جزء دیگر نیز برای معاونت صاحب منصبانی که در ماده فوق ذکر شده است برای تشکیل (کادر) قشون و تعلیم صاحب منصبان جزء و افراد تابعین استخدام میشوند

**ماده ۴** - (۱۴) نفر صاحب منصب صف بطریقه ذیل در نظام تقسیم میشوند:

وزارت جنگ - (سه نفر صاحب منصب) پیاده نظام ۶ نفر (سواره نظام ۲ نفر) (تویخانه یک نفر) (مدرسه نظامی ۲ نفر)

**ماده ۵** - سه نفر صاحب منصب اداری نیز به رتبه ذیل تقسیم میشوند:

وزارت جنگ - یک نفر صاحب منصب (پیاده نظام - نفر) (سواره نظام - نفر) (تویخانه - نفر)

**ماده ۶** - تقسیم صاحب منصبان جزء بطریقه ذیل خواهد بود - سواره نظام یک نفر - صاحب منصب جزء - تویخانه یک نفر - مدرسه نظامی - صاحب منصبان جزء یک نفر

**ماده ۷** - برای استخدام چهارده نفر صاحب منصب صف و سه نفر صاحب منصب اداری و سه نفر صاحب منصب جزء مبلغ (۸۳۷۳۰۰) قران اعتبار بوزیر جنگ داده میشود.

**ماده ۸** - صورت جزء اعتبار مزبور از این قرار است:

یک نفر صاحب منصب که بعنوان رئیس هیئت صاحب منصبان استخدام میشود ۶۵۱۰۰ قران - هفت نفر صاحب منصب قشونی از قرار نفی (۳۲۵۰۰) قران - ۲۲۷۸۰۰ قران

شش نفر صاحب منصب قشونی از قرار نفی ۲۶۰۴۰ قران

یک نفر صاحب منصب اداری (۴۳۴۰۰) \*

یک نفر صاحب منصب اداری (۳۲۵۰۰) \*

یک نفر صاحب منصب اداری (۲۶۰۴۰) \*

سه نفر صاحب منصب اداری از قرار نفی ۱۰۸۵۰ قران (۳۲۵۰۰) قران ۵۸۳۷۳۰ \*  
**ماده ۹** - تقسیم صاحب منصبان کل و جزء مطابق فهرست ذیل است:

نوع خدمت و رتبه که باید در نظام سوئد دارا باشند جمع جزء

رئیس مستخدمین نظامی ۱  
وزارت سلطان برای پیاده نظام ۱  
جنگ سلطان برای تویخانه ۱

سلطان برای اداره مباشرت ۱  
سلطان برای پیاده نظام ۲  
نایب اول ۳

سلطان برای اداره مباشرت پیاده نظام ۱  
سلطان برای سوار نظام ۱  
نایب اول ۱

صاحب منصب جزو ۱  
تویخانه نایب اول برای تویخانه ۱  
صاحب منصب جزء ۱

برای اداره مباشرت تویخانه و سوار نظام ۱  
مدرسه نظامی نایب اول ۱  
صاحب منصبان سلطان برای پیاده نظام ۱

مدرسه صاحب نایب پیاده نظام ۱  
منصبان جزء صاحب منصب جزء ۱  
مجموع ۲۰ نفر

پهران ۱۳۲۹

**رئیس** - چون تقاضا کرده اند در فوریتش باید رأی بگیریم در فوریت مخالفتی هست (گفتند خیر)

**رئیس** - رأی میگیریم در فوریت این لایحه آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد گویا مقصود اینست که در همین جلسه مذاکره شود.

**رئیس الوزراء** - بله

**رئیس** - در این باب مخالفتی هست؟

**حاج شیخ اسدالله** - عتبه بنده اینست که این ورقه طبع و توزیع شود که خاطر آقایان نمایندگان مسبوق شود و یک نظر در مواد آن بکنند و منافی با قوانینش هم نیست که ذقی در جزئیات این لایحه شود تا اینکه از روی بصیرت رأی داده باشند.

**رئیس** - رأی میگیریم که در همین جلسه مطرح بشود یا خیر آقایان تصویب میکنند که در همین جلسه مطرح بشود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد مذاکره در کلیات است مخالفتی هست؟

**ارباب کیخسرو** - این طوریکه اینجا رتبه حقوق و سایر چیزهای این صاحب منصبان را تعیین کرده اند میخواستم سؤال بکنم که آیا قبل از وقت استعزاجی از آن ها کرده و آن ها را راضی کرده اند یا قعلاً این یک تخمینی است که میکنند عتبه بنده این بود که قبلاً یک اجازه حاصل بشود برای استخدام

آنها ولزوم استخدامشان تصویب بشود آن وقت در باب حقوق و رتبه و سایر چیزها بعد از آنکه با آنها مذاکره کردند تعیین نمایند.

**وزیر داخله** - عتبه بنده آن هاموافق خواهند کرد بجهت اینکه صاحب منصبان سوئدی را که برای ژاندارمری خواستیم قبول کردند و آنروز هم تلگراف داشتیم که با کمال حسن مساعدت تقاضای دولت ایران را پذیرفته اند.

**متمین السلطنه** - در این باب مخالفت نمیتوان کرد یعنی قابل مغالفت نیست بواسطه اینکه برهه ماها واضح است که اگر دولت بخواد خود را در جنب دول متقدمه نگاهداری بکند لازم است که همینطوریکه اقدام در اصلاح ماله خودش کرده است شروع در اصلاح نظام خودش هم بکند ولی اینکه لازم و ملزوم یکدیگر هستند یعنی باید وفق بدهد و مناسبت داشته باشد این حقوقیکه اینجا باید بگیرند با ماله دولت پس بهتر این بود که وزارت ماله نظریات خود را میکرد مخصوصاً خزانه دار کل هم نظریات خودش را میگفت که بدانیم این حقوق مناسب ماله دولت خواهد بود یا خیر؟

**معزز الملک** - بنده تصور میکنم که استخدام صاحب منصب برای نظام از تصویب وزارت ماله خارج باشد فقط چیزیکه در اینجا میتوانست نظر وزارت ماله و نظر خزانه دار کل دو آن دخالت داشته باشد فقط دو حمن تهیه بودجه کل است ممکنست در آنجا نظر وزارت ماله دخیل و شریک باشد علی الخصوص که این مسئله را ما میدانیم که این حقوقیکه اینجا برای صاحب منصبان معین شده است این چندگان چیز زیادی نیست که ما بگوئیم باید مناسبت او را با ماله ملکیت مسجد با آن تبع بزرگی که بواسطه صاحب منصبان در نظام ما حاصل خواهد شد علاوه بر این لابد هم وزارت ماله تصویب کرده است و هم خزانه دار کل نظری داشته است اما این (آنتی پراتتزی) که گفتیم عرض میکنم پیش از وقت میتوان گفت که اگر این پنجاه و دو هزار تومان و خورده را که در این باب خرج میکنیم (اگرچه عتبه بنده من خیلی کم است) اسباب این میشود که از آن شش هفت کرور پولی را که امروز برای قشون خرج میکنیم یک فائده عمده بزرگی ببریم و حتی ممکن است نصف آن پول را صرفه جوئی بکنیم که در مصارف دیگر خرج شود.

**حاج سید ابراهیم** - کلیتاً این کتترات های مستخدمین خارجه را که بنده دیده ام مختلف است یعنی در بعضی هایش این نکته مخصوصاً ملاحظه شده است که در مدت استخدام خودشان یک عده را تربیت و تعلیم کنند و بدست ما بدهند چنانچه در کتترات صاحب منصبان تویخانه ذکر کرده اند ولی در بعضی ذکر نشده و حال اینکه این نکته واجب - الرغایه است و در اینجا ذکر نموده اند و معلوم نشده است که پس از چند مدت اینها چند نفر صاحب منصب را برای ما تربیت خواهند کرد و بدست ما خواهند داد یا اینکه بعد از گذشتن مدت استخدامشان باز محتاجیم که اینها خودشان اداره بکنند و کتتراتشان را تجدید بکنیم دیگر این مدت استخدام اینها را میخواستم بدانم چقدر است در اینجا باید قید بشود.

**وزیر داخله** - اما اینکه میفرمایند در کتترات آنها باید معین شود که در یک مدت معینی آنها یک عده صاحب منصب برای ماتریت بکنند این هیچ معمول نبوده است که این مقدار در کتترات بکنند ولی اینها اشخاص ففالی خواهند بود مثل همین صاحب منصبانی که بدست ما داده اند و من مطمئن هستم که اگر دولت ایران اسباب اینها فراهم بکند آنها هم صاحب منصبان صحیح برای ما تهیه خواهند کرد و اما در باب مدت استخدام آنها همین صاحب منصبانی خواهد بود که برای ژاندارمری استخدام کرده ایم.

**آدیب التجار** - چون سابقه هایکندری چشم مارا ترسانه لازمست در این موارد بعضی سئوالات نمایم یکی از آنها اینست که اینها فقط معلم و مشاق خواهند بود یا چیز دیگر دیگر اینکه لباس اینها و لباس قشونیکه در تحت تعلیم خواهد بود آیا لباس ایرانی خواهد بود یا لباس های دیگر و وضع و فوروی را کدر قشون میدهند خوبست آقای وزیر جنگ وزیر داخله توضیح بفرمایند تا ما بفهمیم.

**وزیر داخله** - معلوم است اینها که استخدام میشوند بدست ریاست و بدست فرماندهی کل نخواهند بود بدست معلمی خواهند بود و لباس اینها هم لباس ایرانی است مثل اینکه برای همین صاحب منصبها هم همینطور معین کردیم و لباسیکه در موقع مشق می پوشند لباس ایرانی است ولی فوروی می میدهند بسته باین است که بیایند و آن قواعدیکه میخواهند بدهند بنویسند بنده عرض کنم.

**رئیس** - رأی میگیریم که داخل در مواد بشویم یا نشویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده اول قرائت میشود (ببارت ذیل قرائت شد)

**ماده اول** - قشون ایران در تحت تعلیم صاحب منصبان خارجه که از زوری انتخاب مجلس شورای ملی و دولت ایران استخدام میشوند اداره خواهد شد صاحب منصبان مزبور مأمور هستند که تشکیلات قشون را موافق بهترین تعلیماتی که مطابق اصول جدید نظام باشد تربیت نمایند.

**رئیس** - در ماده اول مخالفتی هست؟

**بهبخت** - این مسئله بدیهی است که قشون در تعلیمات مستخدمین خارجی خواهد بود ولی این شکلی که نوشته میشود نمیدانم بطوریکه ماده قانونی است یا وظیفه است بنده این سؤال را میکنم که جوابش داده شود ولو اینکه پیش تمام آقایان معلوم باشد عرض میکنم که این باید بعنوان وظیفه باشد یعنی ما نمی توانیم مجبور بکنیم خودمان را که همیشه یکدسته صاحب منصب خارجه داشته باشیم بلکه بگوئیم این مستخدمین خارجی که می آیند علی الحساب وظیفه شان اینست که قشون را تعلیم کنند ولی اگر بطور ماده قانونیست که حصر و محدود بکنیم همیشه که یک صاحب منصب اداری را داشته باشیم بنده باین ماده مخالفم

**وزیر داخله** - معلوم است بطور حصر نبود که قانونی باشد همیشه قشون ایران را مستخدمین خارجه اداره بکنند معلوم است بد از مدتی که صاحب منصبها آمدند مدارس را دائر کردند البته صاحب منصب خواهیم داشت و قشون را اداره خواهند کرد ولی حالا بطور علی الحساب نوشته میشود در تحت تعلیم و ترتیب آنها خواهند بود.

**حاج شیخ اسدالله** - بنا بر این فرمایشی که فرمودند ابتدا این ماده لازم نیست که اینجا نوشته شود برای اینکه این اشخاصیکه اینجا نوشته میشود معلوم است برای اداره کرده نظام است و وظایف آنها را هیچ معین نکرده اند و در دیگر یک ماده مینویسد که قشون ما در تحت ریاست خارجی چه اشخاصی معین یا غیر معین باید اداره شود این یکی خارج از ترتیب استخدام مستخدمین خارجه است و این ماده بکلی بنظر من زیاده است و لازم نیست.

**متمین السلطنه** - یکوقت لایحه قانونی در مجلس میگذرد یک مرتبه یک طرفی است که مثل کتترات است این یک طرفی است که مثل کتترات است یعنی دولت علیه ایران چند نفر صاحب منصب سوئدی را برای اینکه نظام او را اداره نمایند استخدام میکنند حالا قبل از اینکه آن مشاقها بیایند نباید دست و پای دولت ایران را بستن و بعضی قوانین را وضع کردن که اسباب زحمت بشود و فایده هم ندارد مثل اینکه مابرای اصلاح کردن ماله مان از امریکا چند نفر را بآن اساسی که بشود آوردیم ولی اینطور نکرده ایم یعنی قبل از اینکه بیایند نوشتمیم که ماله ایران در تحت ریاست مستخدمین خارجه اداره میشود و اینجا هم بهتر اینست که همینطور ما یک مستخدمینی که برای تعلیمات نظامی خودمان میآوریم قبل از اینکه بیایند یک قاعده بگذاریم که یک حد و حصری بشود و دست و پای خودمان را ندهیم بلکه بگذاریم برای وقتی که اینجا آمدند بهر یک از آنها بفرخور حال خودشان آن خدمانی که مناسب است بدهیم، آنکه ماحد و حصری قرار بدهیم که آنها اینجا بیایند از اینجهت این ماده را در اینجا بنده لازم نمیدانم.

**وزیر داخله** - بنده رد میکنم فرمایشات آقای متمین السلطنه را بجهت اینکه در این لایحه ما یک حق فرماندهی باینها نداده ایم بلکه نوشته ایم که معلم خواهند بود و اگر بنویسیم که این حقوق ها را نداشته باشند یعنی بنویسیم که در تحت تربیت و تعلیم صاحب منصبان سوئدی قشون ایران اداره خواهد شد هیچ تاختیاراتی نخواهد داشت و هیچ کاری نخواهند کرد بنا بر این بنده تقاضا میکنم که این ماده بگذرد.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد (اظهار کردند که مذاکرات کافی نیست)

**آقا شیخ محمد خیابانی** - نکته که چند نفر از آقایان فرمودند بنظر من در وهله اول آقای وزیر داخله ملتفت نشدند و جواب آنرا ندادند این معلوم است که قشون ایران بعضی ورود مستخدمین سوئدی یکمرتبه در تحت نظام و دیسیپلین وارد نخواهد شد شاید مشکلاتی برای ما فراهم شود و موامی پیش بیاید که یسعیان بشویم پس بهتر اینست که این ماده نباشد و البته هر قدر توانستند در تحت تعلیم بیاورند بهتر است.

**معزز الملک** - پس از توضیحاتی که از طرف

کرد ولی حالا بطور علی الحساب نوشته میشود که در تحت تعلیم و ترتیب آنها خواهند بود.

**حاج شیخ اسدالله** - بنا بر این فرمایشی که فرمودند ابتدا این ماده لازم نیست که اینجا نوشته شود برای اینکه این اشخاصیکه اینجا نوشته میشود معلوم است برای اداره کرده نظام است و وظایف آنها را هیچ معین نکرده اند و در دیگر یک ماده مینویسد که قشون ما در تحت ریاست خارجی چه اشخاصی معین یا غیر معین باید اداره شود این یکی خارج از ترتیب استخدام مستخدمین خارجه است و این ماده بکلی بنظر من زیاده است و لازم نیست.

**متمین السلطنه** - یکوقت لایحه قانونی در مجلس میگذرد یک مرتبه یک طرفی است که مثل کتترات است این یک طرفی است که مثل کتترات است یعنی دولت علیه ایران چند نفر صاحب منصب سوئدی را برای اینکه نظام او را اداره نمایند استخدام میکنند حالا قبل از اینکه آن مشاقها بیایند نباید دست و پای دولت ایران را بستن و بعضی قوانین را وضع کردن که اسباب زحمت بشود و فایده هم ندارد مثل اینکه مابرای اصلاح کردن ماله مان از امریکا چند نفر را بآن اساسی که بشود آوردیم ولی اینطور نکرده ایم یعنی قبل از اینکه بیایند نوشتمیم که ماله ایران در تحت ریاست مستخدمین خارجه اداره میشود و اینجا هم بهتر اینست که همینطور ما یک مستخدمینی که برای تعلیمات نظامی خودمان میآوریم قبل از اینکه بیایند یک قاعده بگذاریم که یک حد و حصری بشود و دست و پای خودمان را ندهیم بلکه بگذاریم برای وقتی که اینجا آمدند بهر یک از آنها بفرخور حال خودشان آن خدمانی که مناسب است بدهیم، آنکه ماحد و حصری قرار بدهیم که آنها اینجا بیایند از اینجهت این ماده را در اینجا بنده لازم نمیدانم.

**وزیر داخله** - بنده رد میکنم فرمایشات آقای متمین السلطنه را بجهت اینکه در این لایحه ما یک حق فرماندهی باینها نداده ایم بلکه نوشته ایم که معلم خواهند بود و اگر بنویسیم که این حقوق ها را نداشته باشند یعنی بنویسیم که در تحت تربیت و تعلیم صاحب منصبان سوئدی قشون ایران اداره خواهد شد هیچ تاختیاراتی نخواهد داشت و هیچ کاری نخواهند کرد بنا بر این بنده تقاضا میکنم که این ماده بگذرد.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد (اظهار کردند که مذاکرات کافی نیست)

**آقا شیخ محمد خیابانی** - نکته که چند نفر از آقایان فرمودند بنظر من در وهله اول آقای وزیر داخله ملتفت نشدند و جواب آنرا ندادند این معلوم است که قشون ایران بعضی ورود مستخدمین سوئدی یکمرتبه در تحت نظام و دیسیپلین وارد نخواهد شد شاید مشکلاتی برای ما فراهم شود و موامی پیش بیاید که یسعیان بشویم پس بهتر اینست که این ماده نباشد و البته هر قدر توانستند در تحت تعلیم بیاورند بهتر است.

**معزز الملک** - پس از توضیحاتی که از طرف



آقایان وزراء داده شد گمان میکنم که اگر ما اشکالاتی بکنیم اشکالات سطحی و ظاهری باشد اینها گفته شد اینکه در این ماده نوشته شد مقصود از آن این بوده است که دست و بال دولت ایران را ببندد که دیگر نتواند از جای دیگر صاحب منصب استخدام کند خیر هیچ مقصودی نبوده است ولی از طرف دیگر نباید این نکته را هم فراموش کرد دارای محسنتات زیادی خواهد بود و آن این است که در ملک ما یا در هر جا که میخواهند مستخدم بیاورند یا باید اختیارات با آنها داد یا یک حدود معین صعبی برای آنها پیش از وقت معین کرد که دیگر بعدها کار کردن یا نکردن آنها مربوط باشد خاص معین میباشد یعنی اینطور نباشد که اگر یک کسی آمد و خواست که از آن استفاده بکنند بکنند و اگر یک کسی آمد و خواست از وجود های آنها استفاده کند نکند و وجود های معطله باشند این مسئله بقیه بنده خیلی لزوم دارد و بعد از توضیحاتی که آقایان وزراء دادند معلوم است که یک ترتیب جدیدی که میخواهند تأسیس کنند که در تحت تعلیمات صاحب منصبان سولنی که فعلا استخدام میشوند خواهد بود و این ماده لازم الاجراء خواهد بود و باید این ماده اجباری باشد که تمام آن کسانی که بعدها هم خواهند آمد مجبور نباشند از اطاعت و الا اگر غیر از این باشد و به بار خاخری بطوریکه میگویند نوشته شود عنوان مستشاری را پیدا خواهند کرد و باین ترتیب این ماده لازم الاجرا نخواهد بود برای اینکه بطریق مستعار اگر آنها را استخدام بکنیم این طور خواهد شد که از مستشار اگر کسی چیزی پرسیده نمیکند نگوید و حقوق خودش را بگیرد و از جای خودش بیرون نیاید و هیچکاری نکند و پس از آنکه یک کلمه زیاد شود که قشون رفوومه دولت در تحت تعلیمات آنها داده خواهد شد هیچراه ضرری پیدا نخواهد کرد و یک منافع بزرگی را هم دارا خواهد بود و اگر این ماده نباشد آن منافع بزرگ برای ما نیست .

**وزیر داخله** - خیلی خوب است نوشته شود (قشونی که مضارب رفوم جدید گرفته میشود) **بجهت** - نهایت آرزوی ما اینست که قشون ایران بطرز اروپا تربیت شود و یک قشون منظمه صحیحی داشته باشیم تمام فرمایشات آقای وزیر داخله و آقای موزر الملک را هم بنده تصدیق میکنم ولی عرض بنده چیز دیگر است عرض کردم این قانون است یا وظیفه است اگر قانون باشد لازمست معاینش را اینجا عرض کنم فرض کنیم که این قانون از اینجا گذشت ممکنست که این مسئله برسبیل اتفاق پیشرفت نکند آنوقت باید دید ما میتوانیم صاحب منصب ایرانی داشته باشیم یا خیر مجبوریم از صاحب منصب های خارجی استفاده کنیم ولو از یک دولتی که مضارست برای ما مجبور شویم استخدام کنیم یا اینکه اگر یک وقتی مدت استخدام اینها تمام شد که مجلس شورای ملی هم مقصر است انصافاً آن وقت قشون ایران بی صاحب منصب خواهد ماند باید اینطور نباشد البته منافع دارد صاحب منصب های اروپائی باید بیایند اینجا مدرسه برای ما باز کنند افراد نظام ما زبردست آنها تربیت بشوند تمام این ما صحیح است ولی عرض میکنم این نباید بطور

لایحه قانونی بگذرد باید بطور یک کثرت بگذرد نباید بطور مواد قانونی بگذرد باید بطور وظیفه باشد سپس باید بیایند اینجا قشون ما را تربیت بکنند اینرا وظیفه برای آنها قرار بدیم نه قانون برای مملکت این دوتا خیلی فرق میکند به ترتیب منطقی که در آن نظر بکنیم باید آنها بیایند قشون ما را تعلیم بکنم که اگر یک وقتی نتوانستند بکنند در واقع وظیفه خودشان را بجا نیاورده باشند و اگر یک وقتی ما نتوانستیم آنها باشند باز منتظر باشیم چون یکدفعه این است که ما مجبور هستیم که صاحب منصبان ما حتماً باید خارجه باشند در این صورت من هرگز باین رای نخواهم داد بیکر تبه این است که میگوئیم وظیفه این مستخدمین اینست که تمام قشون ایران را مرتب بکنند بنده مخالفت ندارم اما اگر بنویسیم که قانون است که قشون ایران را اداره نخواهد کرد مگر صاحب منصبان خارجه که حتماً همیشه باید صاحب منصبان اروپائی باشند بنده باین مخالفم و این شکل استقلال ما را از میان میبرد و بنده هرگز نمیگذارم که این قانون از این جا بگذرد مگر باین شکل ما بنویسیم که وظیفه آن ها این خواهد بود که قشون ایران را تربیت کنند این صحیح است .

**لواء الدوله** - اولاً بنده رد میکنم این فرمایش آقای بجهت را که فرمودند ولو از یک دولتی که برای ما مض است هیچ دولتی برای ما مض نیست ما با همه دول دوستی داریم و همه با ما دوست هستند اما در خصوص معالین اروپائی اول کسیکه نظر بمعنی و ظاهر و باطن موافق است بنده هستم بواسطه اینکه من هیچده سال تعلیم گرفتم و دولت از وجود من انتفاع نبرد با وجود این عرض میکنم که اگر صاحب منصبان اروپائی نداشته باشیم نمیتوانیم پنج نفر را اداره بکنیم گر چه بعضی از ما در هزار نفر راهم اداره کردند ولی درست نتوانستند صاحب منصبان ایرانی بیعضی جهات اداره کردن را فراموش کرده اند یا آن که قوه ندارند و فعلاً تأیست سال لازم است که صاحب منصبان اروپائی استخدام نمایم لکن از یک دولتی که موافق حال و اخلاق ما باشد باینجهت بنده موافقم .

**رئیس** - آقایان حالا مذاکرات را کافی نمی دانند ؟

**وزیر داخله** - خیلی خوب است نوشته شود (قشونی که مضارب رفوم جدید گرفته میشود) **بجهت** - نهایت آرزوی ما اینست که قشون ایران بطرز اروپا تربیت شود و یک قشون منظمه صحیحی داشته باشیم تمام فرمایشات آقای وزیر داخله و آقای موزر الملک را هم بنده تصدیق میکنم ولی عرض بنده چیز دیگر است عرض کردم این قانون است یا وظیفه است اگر قانون باشد لازمست معاینش را اینجا عرض کنم فرض کنیم که این مسئله برسبیل اتفاق پیشرفت نکند آنوقت باید دید ما میتوانیم صاحب منصب ایرانی داشته باشیم یا خیر مجبوریم از صاحب منصب های خارجی استفاده کنیم ولو از یک دولتی که مضارست برای ما مجبور شویم استخدام کنیم یا اینکه اگر یک وقتی مدت استخدام اینها تمام شد که مجلس شورای ملی هم مقصر است انصافاً آن وقت قشون ایران بی صاحب منصب خواهد ماند باید اینطور نباشد البته منافع دارد صاحب منصب های اروپائی باید بیایند اینجا مدرسه برای ما باز کنند افراد نظام ما زبردست آنها تربیت بشوند تمام این ما صحیح است ولی عرض میکنم این نباید بطور

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول اینطور نوشته شود .  
**ماده ۱** - وزارت جنگ دولت علیه ایران مجاز است برای تشکیلات اداری و تعلیمات نظامی و تأسیسات علمی قشونی بیست نفر صاحب منصب سولنی بموجب مواد هشتم و نهم ذیل استخدام نماید .  
**رئیس** - چه میفرمائید در این پیشنهاد .  
**وزیر داخله** - خیلی خوبست صحیح است .  
**رئیس** - رای میگیریم باین ماده اولی بطریقی که پیشنهاد شد و قرائت شد آقایان وزراء هم قبول کردند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود **ماده ۲** - عده صاحب منصبان که از دولت سولنی استخدام میشوند فعلاً و موقتاً چهارده نفر صاحب منصب و سه نفر صاحب منصب اداری منحصر و محدود میشود .  
**آریاب کیخسرو** - این کلمه فعلاً را بنده اینجا مخالف هستم بجهت اینکه این مسلم است که حالیه اینها استخدام میشوند و اگر در آتی خواستند باز صاحب منصبانی استخدام کنند مجدداً باید مجلس پیش نهاد شود - این کلمه فعلاً زیاد است .  
**حاج میرزا ابراهیم** - میخواستم عرض کنم که مدت استخدام اینها نوشته شود در اینجا و همانطوری که آقای وزیر داخله فرمودند معین شود .  
**موزر الملک** - مخالفت بنده یک چیز خیلی جزئی است - اگر چه این مطلبی که عرض میکنم راجع ببود بعد است ولی چون کلمه عده اینجامین میشود بنده بورراه هم عرض کردم که برای مدرسه نظام یک نفر کم است دو نفر استخدام شود اگر این مسئله مدخلیتی در اینجا خواهد داشت خوبست همین جا اضافه شود .  
**وزیر داخله** - اگر چه صاحب منصبانی که در اداره وزارت جنگ در قشون هستند ممکن است بیایند در مدرسه از برای درس دادن ولی تصدیق میکنم پیشنهاد ایشانرا که یک نفر اضافه شود برای مدرسه نظامی ضرر ندارد .  
**رئیس** - پس نوشته خواهد شد ۱۸ نفر .  
**وزیر داخله** - نوشته شود ۲۱ نفر .  
**رئیس** - میشود بجهت اینکه در ماده اول ۲۰ نفر رای داده شد .  
**محمد شاه میرزا** - بنده لفظ محدود را لازم میدانم و مخالف هستم .  
**میرزا ابراهیم خان** - بنده هم مخالف هستم در لفظ محدود و منحصر بجهت اینکه بعد از اینکه رای دادیم باین ماده محدود و منحصر کرده ایم باین چند نفر و بعد از این نباید مخالف رای خودمان رای بدیم .  
**وزیر داخله** - نوشته شود موقتاً بیست نفر است .  
**رئیس** - پیشنهادی آقای حاجی سید ابراهیم کرده اند قرائت میشود ( باین عبارت خوانده شد ) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده دوم ذکر مدت استخدام بشود .  
**رئیس** - چه میفرمائید در این پیشنهاد که در ماده دوم ذکر مدت استخدام بشود .  
**رئیس الوزراء** - نوشته شود برای سه سال .  
**دکتر سعید الاطباء** - بنده لفظ موقتاً را لازم

نمیدانم اینجا نوشته شود .  
**وزیر داخله** - لفظ موقتاً را بردارید .  
**ماده ۲** - عده صاحب منصبان که از دولت سولنی استخدام میشوند چهارده نفر صاحب منصب صف و سه نفر صاحب منصب اداری برای مدت سه سال خواهد بود .  
**رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)  
**رئیس** - رای میگیریم باین ماده دوم برترتیبی که خوانده شد آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد ماده سوم خوانده میشود ( عبارت ذیل قرائت شد ) .  
**ماده ۳** - سه نفر صاحب منصب جزء دیگر نیز برای معاونت صاحب منصبانیکه در ماده فوق ذکر شده است و برای تشکیل کادر قشون و تعلیم صاحب منصبان جزء و افراد تأیین استخدام میشود .  
**حاج سعید ابراهیم** - خوبست لفظ کادر را بردارند یک کلمه فارسی جای او بگذارند .  
**آقامیرزا ابراهیم** - در این ماده هم مدت نوشته شود .  
**رئیس** - نوشته میشود .  
**آریاب کیخسرو** - الا در اینجا وقتیکه نیز نوشته شد معلوم است که اینها هم مثل آنها هستند و بهمان مدت استخدام میشوند - ثانیاً اینکه اگر هم میخواهند ذکر مدت بکنند بنویسند بهمان مدت یا بدت فوق دیگر مدت سه سال تکرار است .  
**مجدداً ماده بترتیب ذیل قرائت شد**  
**ماده ۳** - سه نفر صاحب منصب جزء دیگر نیز برای معاونت صاحب منصبانیکه در ماده فوق ذکر شده است و برای تشکیل کادر قشون و تعلیم صاحب منصبان جزء و افراد تأیین برای مدت سه سال از دولت سولنی استخدام میشود .  
**رئیس** - رای میگیریم بنده سوم بطریقی که خوانده شد آقایانی که تصویب میکنند این ماده را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس** - با کثرت تصویب شد .  
**ماده چهارم** خوانده میشود (ماده چهارم مجدداً قرائت شد)  
**رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد) رای میگیریم بنده چهارم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد .  
**ماده پنجم** خوانده میشود (ماده ۵ نیز مجدداً قرائت شد)  
**رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد) آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد - ماده ۶ قرائت میشود (مجدداً ماده ششم قرائت شد)  
**رئیس** - مخالفی هست .  
**موزر الملک** - عرض کردم برای مدرسه نظام یک نفر کم است و هیچ نمیتواند برسد بآن وظایفی که برای مدرسه نظامی معین است و اقلاً دو نفر لازم است حالا اگر نمیشود زیاد کرد باید اصلاح کرد چون برای مدرسه صاحب منصبان جزء

دو نفر معین کردند اند و برای مدرسه نظام یک نفر در صورتیکه مدرسه نظام کارش خیلی خواهد بود باینجهت بنده تصور میکنم اگر یک نفر از مدرسه صاحب منصبان بردارند و به مدرسه نظام بیفزایند بهتر خواهد بود .  
**دکتر سعید الاطباء** - هیچ لازم نیست بجهت اینکه از طرف وزارت جنگ ممکن است مجدداً یک نفر دیگر برای مدرسه نظام بجهت پیشنهاد شود استخدام شود دیگر لازم نیست از مدرسه دیگر کم کنید و باینجا بیفزایید خوبست حالا به معین ترتیب باقی بگذاریم بعد اگر هیئت وزراء صلاح دانستند یک نفر برای مدرسه نظام پیشنهاد خواهند کرد .  
**رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)  
**رای میگیریم** بنده شش بطوری که خوانده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .  
**رئیس** - تصویب شد ماده هفتم خوانده میشود (مجدداً ماده هفتم قرائت شد)  
**رئیس** - مخالفی هست ؟  
**دکتر حاج رضاخان** - بنده گمان میکنم شوالیکه آقای آریاب در کلیات در باب حقوق کردند و آقای رئیس الوزراء تصدیق فرمودند و آقای وزیر داخله جواب دادند جواب ایشان منقطع نبود و بنده را قانع نکرد بجهت اینکه بیکر تبه میگوئیم این عده صاحب منصب از برای ملازم است و تقسیماتشان هم اینطور باید باشد این داخل در مذاکره کلیات است اما بیکر تبه میگوئیم منصبشان فلان باشد و شغلشان را هم معین میکنیم این را بنده مخالفم مثلاً معین میکنیم که منصبش یآوری باشد و نقلش فلان و حقوقش هم فلان بکلی این را بنده مخالفم بجهت اینکه بیکر تبه امتحان کردیم در موقعی که مستخدم از برای زانند امری میخواستیم در آن لایحه معین کردیم منصب یآوری دارا باشد بعد معلوم شد که در آنجا یاور باین حقوق نیست که بیاید و بجای یاور سلطان آمد حالا هم اینجا بیایم رای بدیم و بعد اتفاقاً قبول نشود این غلط است کلمه ما باید تصویب بکنیم عده صاحب منصبان را و یک اعتبار را برای استخدام اینها دیگر اینکه داخل در شرایط بشویم که یک آدمی که فلان منصب را دارا باشد و فلان قدر حقوق یار داده شود این چیزی نیست که تصویب مجلس را لازم داشته باشد این داخل در جزئیات شدن است و بقیه بنده از وظیفه ما هم قدری خارج است بهتر اینست که همان کلیاتش را ما تصویب کنیم و جزئیات آنرا بهمه خود وزراء بگذاریم نه اینکه یک رأی حالا بدیم بعد نکول کنیم از آن رأیمان بنده عقیده ام اینستکه مقصود عده آقایان وزراء هم همان خواستین پنجاه و هشت هزار تومان و کسری اعتبار است آنرا تصویب کنیم دیگر لازم نیست که داخل جزئیات بشویم .  
**وزیر داخله** - بله مقصود عده همان پنجاه و هشت هزار تومان و کسری اعتبار است همانرا مجلس بدهد دیگر وزراء هم لازم نمیدانند چندان داخل در جزئیات شویم لکن اینکه اینچون نوشته شده است از روی بصیرت و کمال دقت و اطلاع است بی دقت چیزی نوشته نشده است وزراء هم تمهید

می کنند که باین اعتبار بطوریکه نوشته شده است بهمان رتبه استخدام نمایند .  
**حاج شیخی خراسانی** - نوشته است اعتبار بوزیر جنگ داده میشود تبدیل شود بوزارت جنگ .  
**رئیس** - وزارت جنگ نوشته میشود دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) .  
**ماده مزبور** با تبدیل لفظ بوزیر بوزارت مجدداً خوانده شد .  
**رئیس** - رای میگیریم بنده هفتم بطوریکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) .  
**رئیس** - تصویب شد ماده هشت خوانده میشود (مجدداً ماده هشتم قرائت شد) .  
**آریاب کیخسرو** - این بنده ای که در این ماده برای این اشخاص معین کرد. اند خواستم بدانم این آن حد اکثر است یا ثابت و لا یتغیر است .  
**وزیر داخله** - ثابت و لا یتغیر است .  
**دکتر هدا الاطباء** - بنده میخواستم سؤال کنم که با آن فرمایش آقای وزیر داخله که اعتبار صحیح است دیگر این جزء بنده بهمان معنی ندارد و هیچ صحیح نیست بجهت اینکه یک شخصی کما نمیدانیم سرهنگ خواهد بود یا یاور آنوقت در اینجا حقوق اداری بدیم که شهزاد و کسری حقوق او است این چیز بیغایه است آنوقت شاید هم آن شخص بیاید در این صورت عقیده بنده اینست که این ماده بکلی حذف شود و همان اعتباریکه در ماده هفت بوزارت جنگ داده شده است کافی است .  
**وزیر داخله** - عده همان پنجاه و هشت هزار تومان و کسری است که وزارت جنگ اعتبار میخواهد اینکه صورت جزء داده شده است در لایحه قانونی برای اطلاع خاطر نمایندگان محترم است که بدانند بچه جهت این اعتبار باید باین مبلغ بالغ شده است حالا در صورتیکه تصویب نمیکند که بجزئیات رای داده شود وزراء هم اصراری ندارند همان اعتبار مقصود است .  
**رئیس** - پس ماده هشتم را مسترد میکنند ؟  
**وزیر داخله** - بله مسترد می کنم .  
**رئیس** - ماده هشتم را مسترد کردند ماده نهم خوانده میشود (مجدداً ماده نهم قرائت شد) .  
**موزر الملک** - تصور میکنم که یک اشتباه لفظی شده باشد و آن اینستکه رئیس آن کمیسیون را رئیس آن هیئت است فقط جزء مستخدمین وزارت جنگ نوشته اند در صورتیکه آن کمیسیون رئیس کمیسیون است و در وزارت جنگ است شاید بخواهند در آج هم آن تعلیماتیکه لازم باشد بدهند و این گمان میکنم اشتباه شده است خوب است قبل از وزارت جنگ بنویسند رئیس هیئت صاحب منصبان خارجی یک نفر .  
**حاج موزر الملک** - بنده رئیس صاحب منصبان را بستم نایب سرهنگی کم میدانم یعنی آن کسیرا که ما امید داشته باشیم که تمام قشون ما را اداره کند بقیه بنده رتبه نایب سرهنگی برای او کم است .  
**وزیر داخله** - برعکس بنده رتبه نایب سرهنگی را زیاد میدانم و همان رتبه یآوری که نوشته شده است کافی است .  
**لواء الدوله** - بنده تعجب دارم که هیچ اسم



قورخانه اینجا برده نشده است و حال آنکه در این موقع قورخانه اهمیتش بیشتر از سایر ادارات ما است چون تمام اینها منوط بقورخانه است وقتیکه ماقورخانه نداشته باشیم سرباز نداریم یعنی سربازیکه تفنگ نداشته باشد چه حاصل دارد .

**وزیر داخله** - برای قورخانه يك مستخدم داریم که مسوورتنی است و مدتهاست در اینجا است زبان فارسی را هم خوب میداند و تا بحال هم خوب خدمت کرده .

**رئیس** - پیشنهادی است آقای موزالمملك کرده اند قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که رئیس هیئت صاحب منصبان پیش از صاحب منصبان وزارت جنگ نوشته شود .

**وزیر داخله** - این منافی ندارد برای رئیس صاحب منصبان يك معنی باید معین شود آن محل را وزارت جنگ معین کرده اند هم وزارت جنگ است هم میتواند در خارج در صفت نظام مشغول خدمت باشد .

**موز المملك** - بنده هم چون نظرم همین نظر آقای وزیر داخله بود بهمین جهت اورا خارج کردم برای اینکه او هم میتواند در صف خدمت بکند هم بواسطه آن رتبه که دارد که رئیس هیئت صاحب منصبان خارجی است میتواند بانهاسرپرستی کند و در کلیه اصلاحاتیکه بتوسط این هیئت خواهد شد او نظرات بکند و این برای کار خیلی بهتر است در صورتیکه جزو صاحب منصبان اداری بتوسط فقط کار او اصلاح اداری خواهد بود .

**وزیر داخله** - باز عرض میکنم هیچ منافات ندارد در وزارت جنگ هم باشد میتواند در خارج هم خدمت بکند علاوه تصور میکنم اگر در وزارت باشد اهمیتش بیشتر باشد .

**رئیس** - رأی میگیریم باصلاح آقای موزالمملك آقایانیکه اصلاح موزالمملك را قابل توجه میدانند قیام نمایند (چند نفری قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده نهم آقایانیکه ماده نهم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - ماده الحاقیه آقای لواء الدوله پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که باین ماده الحاقیه جزو مواد رای گرفته شود .

ماده ۹ - این صاحب منصبان و معلمین اروپائی حق ندارند که بدون اجازه و تصویب وزارت جنگ احدی از صاحب منصبان ایرانی را عزل و نصب نمایند .

**وزیر داخله** - عزل و نصب صاحب منصبان نه در اختیار صاحب منصبان خارجی است نه در اختیار صاحب منصبان ایرانی است منوط بتصویب وزارت جنگ و فرمان پادشاه است .

**لواء الدوله** - عرض کنم چون بنده دیده ام بعضی از صاحب منصبان وقتی وارد میشوند دیگر هیچ وزیری نگاه نمیکند خودشان ایرادی میگیرند و خارج میکنند همین قدر که از هیولای يك صاحب منصب خوشش نیاید میگوید این بدردمن نیخورد باید خارج گردد دیگر لازم باس بردن نیست بعضی همینطور خارج شدند که بنده خود هم یکی از آنها هستم .

**حاج شیخعلی** - بنده اظهار قانون اساسی دارم (رئیس - نوبت شما نرسیده است)

**حاج شیخعلی** - اختصار قانون اساسی دارم و حق تقدم دارد .

**رئیس** - راجع بنظم مجلس نیست که حق تقدم داشته باشد آقای حاجی و کیل را عایا فرمایشی دارید بفرمائید .

**حاج وکیل الرعایا** - از این اختیاری که فرمودند نمیخواستم عرض کنم که حالا برای آنها باقی نمانده است که ما حالا در آن مذاکره بکنیم و لکن چون گفته شد که مستخدمین خارجیه برای آن شغلی که معین شده اند شاید تجاوز کنند بنده که تا بحال چنین چیزی ندیده ام و تصور میکنم که تقصیر از طرف ما است و آنها همیشه به تکلیف خودشان صل کرده اند و میکنند .

**حاج شیخعلی** - بنده در قانون اساسی مصرح است که صاحب منصب های نظامی را نبشود عزل و نصب کرد مگر بانوبت خیانت آنها بتصویب وزارت جنگ و فرمان پادشاه در این صورت این پیشنهاد قاطع است .

**رئیس** - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای لواء الدوله که بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد کرده اند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( کسی قیام نکرد ) .

**رئیس** - قابل توجه نشد (مذاکره در کلیات است) منافی هست؟

**آقا شیخ محمد خیابانی** - بنده میخواستم سؤال کنم که نظر هیئت وزراء در این است که بطور رسمی از دولت سؤدد استخدام کند یا بطور غیر رسمی استخدام خواهند شد و کدام بنظر وزراء صحیح می آید .

**رئیس** - آقای خیابانی سؤال کردند جواب داده نشد .

**وزیر داخله** - این عطف میشود بهممان استخدام صاحب منصبان سابق همانطوریکه از دولت خواستیم اینها را هم از دولت میخواهیم .

**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده قانونی که متضمن نه ماده بود یکی آنرا وزراء مسترد داشتند و به هشت ماده رأی داده شد آقایانیکه این لایحه قانونی را تصویب میکنند و روزه سفید خواهند داد آقایانیکه تصویب نکنند و روزه کبود خواهند داد (در این موقع شروع باخذ اوراق رأی گردید آقای حاج میرزا رضاخان اوراق را باین عده احصا نمودند و روزه سفید ۶۳

**رئیس** - با اکثریت ۶۳ رأی از ۷۳ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد - آقایان حاجی عزالمملك و آقا میرزا احمد ستوالی از آقای وزیر داخله و وزیر مالیه داشتید بفرمائید .

**آقا میرزا احمد** - سؤال بنده قسمتی از وزیر امور خارجه است که حاضر نمیشود و یکی از وزیر مالیه است که حاضر است از قرائیکه شنیده ام از طرف وزارت مالیه بنا بوده است که مأمورینی برونند برای ضبط اموال شجاع السلطنه و سالار الدوله جماعتی رفته اند و در آنجا بيك مانعی دچار شده اند که از طرف دولت روس گویا از طرف قونسولگری جاهتی از فراقها آمده اند و جلوگیری کرده اند و نگذاشته اند که آنها باموریت خودشان رفتار کنند از آن حیث که راجع

بوزارت مالیه است جواب بگویند تا وقتی که وزیر امور خارجه آمدند بپسلی انجمنش را که راجع بوزارت خارجه است سؤال کنم .

**وزیر داخله** - از این مسئله هنوز خبر رسمی بوزارت داخله یا بوزارت مالیه نرسیده است باید تحقیق شود در جلسه آتی عرض خواهیم کرد آنچه رسیده است مسوعات است .

**رئیس** - دستور پنجشنبه ۱۸ ساعت فربوب مانده بقیه قانون انتخابات يك فقره راپورت کمیسیون بودجه راجع بمیرزا عبدالعجید پیشخدمت - راپورت کمیسیون نظام راجع بمسئو بون مستخدم قورخانه (مخالفی هست)؟

**دکتر علیخان** - بنده همانطوریکه در خارج عرض کردم یادآوری میکنم که قانون اساسی معارف را هم جزء دستور پنجشنبه قرار بدهید و چون مدتی است که راپورت آن آمده و همینطور مانده است .

**رئیس** - هر وقت قانون انتخابات تمام شد قانون اساسی معارف جزو دستور میشود .

**افتخار الواعظین** - میخواستم عرض کنم بعضی از راپورتها از کمیسیون فوائد عامه آمده است که بایستی جزو دستور بیاید و بنده یکی از آنها را تقاضا کردم که جزو دستور قرار بدهید فرمودید که جزو دستور پنجشنبه خواهد شد - خواهش میکنم که راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع به ماشین چرم سازی جزو دستور پنجشنبه شود .

**رئیس** - ممکن نیست بجهت اینکه بیست ماه از قانون انتخابات و حوزه بندیهای آن مانده است هر وقت آن تمام شد جزو دستور خواهد شد (در این موقع که تسلسل از شب گذشته است رئیس حرکت رکوردند و مجلس ختم شد) .

**جلسه ۳۰۵**  
**صورت مشرح روز ۵ شنبه ۱۸**  
**شهر شوال المکرم ۱۳۲۶**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب در نعت ریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس روز سه شنبه ۱۶ را آقای آقا میرزا رضاخان قرائت نمودند - غائبین جلسه قبل

غائبین بدون اجازه - آقایان: حاج آقا میرزا علی اکبر خان - آقا سید محمد باقر ادیب لسان الحکماء

غائبین با اجازه - آقایان: طباطبائی - فرزانه آقایانیکه از وقت مقرر تاخیر نموده اند - دکتر اسمعیل خان ۳ ساعت - دکتر حاج رضا خان ۵ دقیقه نجات ۴۰ دقیقه - اقتصام الملك - آقا شیخ رضا ۴۰ دقیقه - دکتر امیر خان - ناصر الاسلام ۳۰ دقیقه - شریف العلماء - حاج وکیل الرعایا نیم ساعت .

**نایب رئیس** - آقای بهجت در صورت مجلس فرمایشی داشتید؟

**بهجت** - در ماده اول خیلی بطور اختصار ذکر شده است که فلان کس مخالف بود مثل اینکه بنده این کثرت را خلاف قانون دانستم بنده مخالف با اصل این کثرت نبودم و پانزده مخالف نبودم مخالف بنده این بوده که بشکل ماده قانونی

باید نوشته شود باید جوری مشروح نوشته شود که صریح باشد نه اینکه اصل کثرت و اختلاف قانون میدانستم قانونی بودن اینها را خلاف میدانستم

**نایب رئیس** - گویا همانطور نوشته است **میرزا رضا خان** - خوبست يك قدری استماع بفرمائید مخصوصاً نوشته است باقانونیت

**بهجت** - بنده هم عرض نکردم این قانونی نیست عرض کردم که نباید بشکل قانونی نوشته شود .

**نایب رئیس** - صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بقیه قانون انتخابات است دو ماده از اول که ماده اول و دوم باشد باقی است چون ماده اول منوط باده ثانی است که ترتیب حوزه بندیها است باینجهت اول شروع باده دوم میکنیم ( در این موقع شروع بقرائت جدول حوزه های انتخابیه گردید )

آذربایجان ۱۹ نفر  
**نایب رئیس** - مخالفی هست (اظهاری نشد)  
**هشترودی** - در کلیات است یاد تیریز مخصوص است

**نایب رئیس** - مذاکره در کلیات ۱۹ نفر آذربایجان است .

**هشترودی** - بنده در کلیه که ۱۹ نفر برای آذربایجان نوشته اند مخالفم اولاً میخواهم عرض کنم که خودم در کمیسیون بودم نه اینکه نبودم در آنجا هم مخالفت داشتم و براهینی که عرض کردم یا

اعضاء کمیسیون گوش ندادند چون در این روزهای آخری که این راپورت داده شده است بنده یکروز حاضر شده ام و لابد خودشان شاید دوروز سه روز مذاکره کرده اند بنده در ۱۹ نفرش اشکال میکنم نه در حوزه بندیش چون در حوزه بندیش رأی بنده هم منصرف شده است و اینطور عیبی ندارد باید

باشد ولی ۱۹ نفر را که از برای تیریز معین کرده اند بنده نمیدانم از چه میزان از چه مقیاس است از روی يك قانون صحیح گرفته اند که عبارت از مقدار نفوس است یا مقدار نفوس هم نباشد يك تبدیلی است که واقفاً تعدیل باشد از روی آن این تقسیم کرده اند که باید ۱۹ نفر بآذربایجان برسد بنده این را نمی توانم بگویم از روی چه میزانی است و نمیدانم کمیسیون از روی چه حسابی این میزان را قرار داده اند میتوانم عرض کنم که از روی يك میزان صحیحی نیست مثل اینکه شاید اردبیل و مشکین و آستارا نمین و اوچارود و خلخال را هم اشکالی داشته باشم و بگویم کدو نفر کم است نه آن جوری که از روی دلیل بگویم شاید در موردش که صحبت شد عرض نکنم ولی بنده باین ترتیبی که در تیریز و اوچان عباس و مهران رود و دهغورقان گوگان ارووق و از تراز آلان بر آقوش و هشترود که در ماده اول یکی کرده اند عرض میکنم آن چارها هم کم گرفته اند بجهت آنکه آنجا ها از روی تخمین صحیح یا از روی تعداد نفوس اقلش باید یازده نفر باشد و بعد می آیم باین تراز آن می بینم اوممی و توابع را

نوشته اند و نفر حالا شاید بنده آنجا را کار نداشته باشم بخوی ماسکو سلاسی مرند کرکریکانات را هم کم نوشته اند و در نفر را خیلی کم میدانم از روی قانون صحیح نوشته شده است اینست که عرض می کنم ۱۹ نفر در حق آذربایجان خیلی کم است و

ظلم شده است و شاید آن چیزی را که عقیده دارم پیشنهاد کنم در کلیات این عقیده بنده است

**ذکاء الملك** - در باب عده نفوس و عده نمایندگان در سابق و شور اول هم که همین مواد مذاکره میشد همین اشکالات پیش آمد و حالا باز همان اشکالات میشود بواسطه اینکه همه کس مسیوق است که احصایه صحیحی در ایران نشده است که بگوئیم عده جمعیت ایران چقدر است و نمایندگان چقدر باید باشند بعضی از حوزه بندیها که در سابق شده بود که آقایان ملاحظه فرمودند عده آذربایجان پیش از اینها بوده است از روی يك نظری بعد يك اشخاص هم غیر از نمایندگان از طرف دولت مشخص شدند که مساوت بکنند بکمیسیون انتخابات مجلس و کسانی بودند که در اکثر بلاد ایران بصیرت داشتند مخصوصاً در بلاد آذربایجان و آنها حوزه بندی را که ترتیب دادند واقفاً اساس این حوزه بندی ها که نمایندگان می رسد از روی آن است و اگر هم تصرفی از طرف کمیسیون شده باشد تصرف خیلی کمی است و آنها عده نمایندگان آذربایجان را ۱۸ نفر معین کرده بودند و کمیسیون یک نفر هم بر آن عده علاوه کرد و این نکته را هم باید ملتفت بود که این ۱۹ نفر غیر از نماینده است که بایلات شاهسون داده میشود و غیر از نماینده است که بملل متنوعه داده میشود که آنها هم دو نفر خواهند بود آن وقت اگر واقفاً درست ملاحظه بفرمائید بآذربایجان ۲۲ نفر حق نمایند داده میشود در صورتیکه آن عده را که اشخاصی که خارج از کمیسیون مجلس معین کرده اند ۲۱ نفر بودند بنا بر این همین مذاکراتیکه آقای هشترودی فرمودند و در کمیسیون هم فرمودند کمیسیون حاضر شد و یک نفر اضافه کردند و ۱۹ نفر شد علی الخصوص که در دفعه سابق هم بآذربایجان ۱۹ نفر نامیده داده شده بود و شایسته ندانستیم که اینده کمتر داده باشیم حالا اگر بفرمائید که این عده از روی واقع نیست و از روی مقدار نفوس نیست این را هم حرف ندارم و لکن حرف در آنست يك مأخذ سند صحیحی در دست نداریم نه این که ما بگوئیم این عده مطابق واقع است بعضی بگویند نه مطابق واقع نیست هر کس هر چه بگوید از روی حدس میگوید یعنی از روی تخمین معین کرده اند که ۲۲ نفر نمایند برای آذربایجان باشد اگر از روی میزان صد هزار نفری یک نفر گرفته باشیم بر حسب تخمین جمعیت آذربایجان از ۴ کرور و نیم پیش نخواهد بود اگر هم واقفاً تقدس شده باشد جمعیت آذربایجان از ۴ کرور و نیم بیشتر باشد و قدری هم از حق آنها کمتر باشد میتوان گفت جزئی است و چیز زیادی نیست که اسباب دلخوری اهالی آذربایجان باشد و بعتیده بنده شورای ملی بهشتاد هزار مسیحی دو نفر نمایند حق بدهد و بنده دوازده هزار نفر کلدانی هم يك نفر نماینده بدهد بآذربایجان مربوط نیست این يك اظهار محبتی است که بيك ملتی ملت ایران خواسته است بکند و میگوید که شما چون جمعیتتان کم است هر کدام یک نفر انتخاب کنید بآن واسطه دو نفر بآنها نماینده داده است برای اینکه در مجلس شورای ملی

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

**منتصر السلطان** - در خصوص آذربایجان که

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

ولایات و برای آذربایجان ۱۹ نفر معین شده است اساساً باید به بینیم که این را از چه ماخذ و از چه حساب و از روی چه صورتی معین کرده اند آیا احصایه نفوس داشته اند برای کلیه مملکت ایران که بعضی جاها افزوده اند و در بعضی جاها کم کرده اند باینکه از روی اطلاعات و نظرات شخصی یا از روی نظرات جغرافی بوده اگر از روی احصایه نفوس باشد بنده منکر هستم که در ایران هنوز احصایه شده باشد مگر چند جا که میگویند که اشخاص را از روی سرشماری عده نفوس را معین کرده اند پس صوملی نشده است خیلی جاها و امینییم از یزد و گیلان و اصفهان و غیره غیره سرشماری نشده پس از این نظر که رشد پس کمیسیون که اینکار را کرده است از روی عقیده شخصی بوده است که اینکارا کرده است یا از روی کتبی که در دست است از روی آن معین کرده اند که حالا لازم نیست آن کتابها را شرح بدهم در کتب جغرافی جمعیت ایران را از بیست میلیون الی ده میلیون معین میکنند که بنده ۱۵ میلیون تصور میکنم بهمان دلیل که آنها نمرده اند و ده میلیون تصور میکنند بهمان دلیل هم بنده که نمرده ام بازده میلیون تصور میکنم در همان مأخذ که آنها گرفته اند جمعیت آذربایجان را نسبت به جمعیت کلیه ایران يك ربع یا يك خمس حساب میکنند حالا وقتی که ما مخنی را که آنها گرفته اند جمعیت آذربایجان را يك ربع یا يك خمس میگیریم که بنده هم همین عقیده را دارم آنوقت باید به بینیم از ۱۳۶ نفر نماینده چیزیکه بآذربایجان باید برسد چقدر است و اگر ربع حساب بکنیم جمعیت آذربایجان را آنوقت باز باید به بینیم که ربع آن چقدر میشود نباید هر کس از يك نظر شخصی نگاه کند و بگوید چون سابق ۱۹ نفر معین شده بود حالا هم باید ۱۹ نفر معین کنیم بنده عرض میکنم که اگر این نظر را داشتید بهتر این بود که تمام این بلاد ایران را از روی همان نظر سابق معین میکردید که اسباب شکایت نمایندگان آذربایجان و اهالی آذربایجان نشود بنده تصور میکنم که مجلس زیاد تر اگر میخواست دقت بکند برای آذربایجان میبایستی دقت بکند و حقوق آنها را بیشتر حفظ کند بجهت اینکه آن خدمات و اقداماتی را که اهالی آذربایجان کرده اند اگر ملاحظه بفرمودند واقع است بعضی بگویند نه مطابق واقع نیست هر کس هر چه بگوید از روی حدس میگوید یعنی از روی تخمین معین کرده اند که ۲۲ نفر نمایند برای آذربایجان باشد اگر از روی میزان صد هزار نفری یک نفر گرفته باشیم بر حسب تخمین جمعیت آذربایجان از ۴ کرور و نیم پیش نخواهد بود اگر هم واقفاً تقدس شده باشد جمعیت آذربایجان از ۴ کرور و نیم بیشتر باشد و قدری هم از حق آنها کمتر باشد میتوان گفت جزئی است و چیز زیادی نیست که اسباب دلخوری اهالی آذربایجان باشد و بعتیده بنده شورای ملی بهشتاد هزار مسیحی دو نفر نمایند حق بدهد و بنده دوازده هزار نفر کلدانی هم يك نفر نماینده بدهد بآذربایجان مربوط نیست این يك اظهار محبتی است که بيك ملتی ملت ایران خواسته است بکند و میگوید که شما چون جمعیتتان کم است هر کدام یک نفر انتخاب کنید بآن واسطه دو نفر بآنها نماینده داده است برای اینکه در مجلس شورای ملی

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

این جاعده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از